

قلم امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

تهدید مخالفان

آیت الله خمینی روز هفتم شهریور (۳۰ اوت) بمناسبت روز انجمن دفتربخش وزیری (۷ شهریور ۱۳۶۵) که منجر به مرگ آقایان رجایی و باهنر، رئیس جمهوری و نخست وزیر وقت جمهوری اسلامی شده بود، در جمع مسئولان مهم در جماران سخن گفت.

آیت الله در این سخنرانی یک بار دیگر از دولت میرحسین موسوی پشتیبانی به عمل آورد و این دولت را با توجه به شرایط جنگی، موفق و خدمتگزار خواند.

با توجه به جبهه‌بندی‌های آشکاری که در ماه‌های گذشته در مجلس شورای اسلامی و در برخی دیگر از نهادهای انقلاب علیه دولت میرحسین موسوی، شکل و سازمان یافته است، آیت الله خمینی مخالفان دولت را از عیب جوایی و انتقادهای غرض آلود بر حذر داشت و تأکید کرد:

"باید به بینیم این دولت در این حرکتی که در جنگ و در محاصره اقتصادی عمل کرده موفق بوده است یا نه؟ بی انصافی است که اگر ما بگوئیم موفق نبوده است..."

بقیه در صفحه ۱۰

آمریکاهندگان می‌دهد

ضربه‌ای دیگر بر لیبی

سخنگوی کاخ سفید واشنگتن روز دوشنبه (۲۵ اوت) اعلام کرد که سرهنگ قذافی در صدد اجرای طرح‌های جدید تروریستی برآمده است و آمریکا آماده تهیه تسلیحات مقابله‌جویانه است.

به نوشته‌های لیبیا سبوت (۲۷ اوت) این تسلیحات می‌تواند شامل عملیات نظامی باشد.

واشنگتن همچنین اعلام کرد که ژنرال ورنون والترز سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، به سفر خواهد کرد تا موقعیت لیبی را با متحدان واشنگتن بررسی کند.

ماه موریت و والترز، ترغیب متفقین به تشدید مجازات‌های سیاسی و اقتصادی علیه لیبی است.

واشنگتن پست روز سه‌شنبه ۲۷ اوت نوشت: "آمریکا با همکاری متحدان اروپایی خود، پس از جمله آمریکا به لیبی در ۱۵ آوریل گذشته، برخی از نقشه‌های تروریستی این رژیم را کشف و خنثی کرده است."

بقیه در صفحه ۲

دین در

خدمت استعمار

در صفحه ۷

حسینعلی مشکان

زنان در جمهوری اسلامی

زنده بگوران

جاهلیت دختردار شدن اسباب سرکستگی بود و نوزادان دختر را زنده بگور می‌کردند. اسلام این رسم کثیف را برانداخت و بنا بر این زن‌ها تجدید حیاتشان را به اسلام مدیونند. رژیم آیت الله، بنا به اسلام زن‌ها را دوباره زنده بگور کرد و امروز، در سال‌های واپسین قرن بیستم، به برکت اسلام خمینی وضعی پیش آمده است که ما در آن ویدران دخترها را از طریق کوه و کمر به خارج فراری دهند فقط برای آن که از جهنم خلاصی پیدا کنند.

بقیه در صفحه ۱۲

کارانی از رژیم است که در مطبوعات دولتی دست به انتقاد از نظام اسلامی زده‌اند.

این ناظران سخنان خمینی را همچون پاشی می‌دانند به آیت الله منتظری که اخیراً "کوشید رفتار مصلح‌جویانه‌ای در برابر منتقدان و مخالفان رژیم بگیرد و ماء موران اجرائی را به اعتدال دعوت کرده بود.

روزنامه رسالت نیز که در برهه‌های سیاست‌های حکومت اسلامی از سوی جناح رقیب دولت موسوی به انتقادهای بی‌دست زده است، مخاطب دیگر آیت الله خمینی است.

با آوری می‌شود که آیت الله خمینی در روز شنبه ۸ شهریور در دیدار با دست‌اندرکاران رژیم نگرانی خود را از سرکشتن نظام جمهوری اسلامی ابراز داشت و گفت: قلم‌های نصیحت نیست، آن کسی که قلم دستش می‌گیرد باید توجه کند که مسأله، مسأله فرد نیست، مسأله اسلام و نظام اسلامی است. (به مقاله تهدید مخالفان در همین صفحه توجه فرمائید)

ناظران می‌گویند: بدین ترتیب و بر خلاف دست‌وپا زدن‌های اخیر آیت الله منتظری که خواست چهره معتدلسازی از رژیم ارائه دهد، آیت الله خمینی با رد دیگر تمایل خود را به ادامه سیاست اختناق و سرکوب به شیوه‌های خود ابراز داشت و حتی منتقدان درون رژیم را به سکوت و پناه بردن به شرایط سیاست‌های فاجعه‌بار نظام اسلامی دعوت کرده است.

فرار دو خلبان ایرانی

دو خلبان ایرانی، روز ۳۱ اوت بایک هواپیمای اف-۱۴ به عراق پناهنده شدند.

سخنگوی نظامی عراق اعلام کرد سرگرد احمد مرادی طالبی و سروان حسن نجفی حبیب الله، افسران نیروی هوایی ایرانی، با هواپیمای خود در یک فرودگاه نظامی عراق فرود آمدند.

لازم به یادآوری است که در تاریخ ۲۱ مرداد ماه نیز خلبان ایرانی خاصی که شمی رفتاری، با هواپیمای فالکن ۲۰ خود به عراق پناهنده شد.

خبرگزاری‌ها - ۳۱ اوت ۸۶

بقیه در صفحه ۱۰

هادی بهزاد

در جستجوی

پیوندها

با توجه به مختصات این مرحله از تلاش‌های ملی و سرانجام در رنگ‌گذار بسیج و اتحاد نیروهای ملی آری؛ طلب صرف براندازی - شکل خالص نظام (سلطنتی و یا جمهوری) - یک طرح ایدئولوژیک ناظر بر ساخت اقتصادی و اجتماعی جامعه، کدامیک را می‌توان به عنوان "شعار جامع" و یا "نقطه‌ی تأکید" برگزید؟

هریک را باید تحلیل کرد و پیش از این ضرورت چنین انتخابی را شناخت. "نقطه‌ی تأکید" از آن جهت یک امر درجه اول و اساسی است که بسیج و وحدت نیروها، بی آن غیرممکن است.

قصدی ملی مطرح است، خدمت مزدوری در میان نیست. مبارز، در میدان اکبر نداند به کجا می‌رود، با چه انگیزه‌ای در میدان باشد؟

سربازان جیرو وظیفه‌ای ندارد، جز آنکه به فرمان فرمانده بتازد، نوعی مقاطع کار است، خدمتی را در قبال دستمزدی تعهد کرده است. سود و زیان و فرجام کار هر چه باشد، به حساب کارفرما و ریسز می‌شود. ولی مجاهد ملی بر نتیجه‌ی قدم خود چشم ندارد، زیرا در نتیجه سپیم است، فرمانبردار نیست، از مغز خود فرمان می‌گیرد. آگاهانه می‌جنگد و جنگ او جنگ آزادی‌خواهانه است. اینک باید دید، در این برهه از زمان این کدام انگیزه‌ایست که او را گرم می‌کند و مخلصانه به میدان می‌کشد؟

بقیه در صفحه ۲

"فقیه عالیقدر"

سیلی می‌خورد!

ساعت یازده صبح روز ۳۱ اوت صدای یک انفجار شدید در منطقه باغ شاه، تهران را لرزاند. این انفجار که از جزئیات آن اطلاعی در دست نیست، ده‌گشته و مجروح به جا گذاشت. روزنامه کیهان صدای این انفجار را ناشی از شکستن دیوار صوتی توسط یک هواپیما ذکر کرد.

از سوی دیگر بنا به گزارش‌های رسیده شهر تهران درخشم و سکوت نوعی انتظار به سرمی برد. بهم ریختگی و نابسامانی اوضاع به مراتب شدیدتر از زهرزنگان آشکار است، کم‌یابی مواد غذایی ضروری، پیش از هر زمان مردم را رنج می‌دهد. گوشت، کره، تخم‌مرغ، پنیر و آرد و اق عمومی جیره‌بندی شده، کم‌یاب و درسیا موارد نایاب است.

از سوی دیگر به گفته برخی ناظران، سخنان اخیر آیت الله خمینی که عیب‌جویی از حکومت را تقبیح و مطبوعات را تهدید کرد متوجه آن عده‌ا از دست‌اندر -

ترکیه از سیل مهاجرین ایرانی که به این کشور سرازیر شده‌اند، نگران است.

ورود فزاینده پناهندگان ایرانی به ترکیه مسئولان این کشور را نگران کرده است. این‌ها می‌ترسند که کشورشان به یک فضای بسته‌ای تسویه حساب بین مخالفان و طرفداران جمهوری اسلامی آیت الله خمینی مبطل شود.

البته از آنجا که ایرانیان برای ورود به ترکیه نیازی به ویزا ندارند، رقم رسمی تعداد این پناهندگان در دست نیست ولی طبق اظهار مقامات ترک تعدادشان به ۵۰۰/۰۰۰ نفر برآورد شده است. اغلب اینسان در استانبول مقیم هستند (حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر) و بقیه در شهرهای آنکارا و ارز روم، از میروبولوسا ساکن می‌باشند.

به موجب نوشته روزنامه معتبر "حریت" تعداد پناهندگان ایرانی خیلی بیش از این رقم است و به یک میلیون نفر بالغ می‌شود. بنا به اظهار مقامات پلیس، اکثریت آن‌ها که مخالفین رژیم خمینی و غالباً "مقیم استانبول هستند، از نظر سیاسی گردهم آمده و شروع به سازمان دادن نیروهای خویش، برای مبارزه با رژیم آیت الله خمینی کرده‌اند. همین مقامات می‌گویند که فعال‌ترین آنان طرفداران شاپور بختیار نخست وزیر سابق ایران هستند که اکنون مقیم پارسی است.

بقیه در صفحه ۱۱

پناهندگان

ایرانی

در ترکیه

در جستجوی پیوندها

بقیه از صفحه ۱

شک نیست که مصیبت آنقدر سنگین و طاقت شکن است که کشوری را حتی لفظ "براندازی" بشوق می آورد، به حکم آنکه تشنه به جان آمده را جز به آب رغبتی نیست، در آن لحظه های سوختگی معشوق آب است اما وقتی تشنگی فرونشست، تازه احساس می کند که پای هزار حجت در میان است. خمینی از این تشنگی سود بسیار جست، در حال و هوایی که رقیبی در کارش نبود، بر این نیاز زوزان توقف کرد و چون سیل به راه افتاد آنچه خواست از آب بی مهار گرفت و به چینه ریخت و به نیروی دست یافت که، به او اجازه داد نه فقط رژیم وقت را که مرحله به مرحله پارکابی های فلول را نیز از پا بیندازد و بیکه تا زمینان شود. در کنار این تجربه هولناک، مبارزان صفا اول، یعنی آن ها که بسیج و جهت یابی وجهت گیری را متعهد کردند، حق دارند، و رای مسئله براندازی به خصلت و جوهر جان نشین تیز تازان مل کنند.

گذشته ی پرورد به آن ها آموخته است که چشم بستن بر پیا مدها، دل سپردن به حوادث کوری است که هیچ بعید نیست و انفسائی از همین قماش ویا هر قماش دیگری ببار آورد که قریب هشت سال است، دما دم از هستی ملت تراشیده است.

از این رو تاکید بر صرف "براندازی" و غفلت از چند و چون پیا مدها نه با منطق می خواندونه با مصلحت جوراست، که منطق و مصلحت، را نندن به سوی تاریکی را جواز نمی دهد.

البته "براندازی" رژیمی که هر چه دارد روی اختناق سرمایه گذاری کرده است، مستلزم سنگین ترین و دشوارترین تلاش ها است، با این همه (به تکرار گفته ایم) - براندازی تمام هدف نیست. درهم شکستن رژیم آن گاه بهائی خواهد شد که از همان ارجمند و بهنجاری با خود بیاورد و مخصوصاً مصونیت ملی را تضمین کند و از تکرار درد مانع شود. به این تعبیر رژیم فاشیستی حاکم، اگر چه تا برپا نیست مصیبت هم برجاست ولی دفع آن بخودی خود معنای گامی نجات نیست، چنانچه ضمانتی که دیوی جای غول را نگیرد؟ چه حتمیتی که حکایت چاه و چاله مکرر نشود؟

و اما فرض دوم: آیا شکل نظام - شکل محض (خسواه سلطنت و خواه جمهوری)، به عنوان "شعار جامع" ویا "نقطه تاکید" به تشنه های آن ظرفیت و کشی برخوردار است که از یکسو بسیج و از سوی دیگر اتفاق همه نیروهای ملی را تا مین کند؟

بی درنگ این پرسش می آید: از کدام

امریکا هشدار می دهد

ضربه ای دیگر بر لیبی

بقیه از صفحه ۱

لیبراسیون می نویسد: حمله ی هواپیما آمریکا به لیبی هنگامی انجام گرفت که آمریکا مستقیماً "لیبی را مسئول انفجار تروریستی یک دیسکوتک در برلین غربی دانست که طی آن ۲ سرباز آمریکایی و یک زن ترک کشته شدند." حوادث جدید نشان دهنده ی آنست که آمریکا لیبی را مسئول اصلی حوادث تروریستی اخیر در قبرس، برلین و توگو می داند. از سوی دیگر روزنامه ی وال استرییت جورنال نوشت: حکومت ریگان خود را برای دادن یک درس جدید به سرهنگ قذافی آماده می کند. لیبی در برابری لیبی، یک طرح سه مرحله ای را اجرا می کند: نخست پیش-بینی عملیات تروریستی از سوی لیبی، سپس برآوردنش های سیاسی و اقتصادی در لیبی، و با لایحه یادآوری این نکته

نمونه؟ جمهوری از آن دست که ژنرال چهار ستاره پینوشه در شیلی و آقای بوتو در آفریقای جنوبی و حجت الاسلام خا منده ای در ایران خود ما و دهها امثال دیگرشان، این جا و آن جا بیا کرده اند؟ - سلطنت از چه قماش؟ - یا سلطان - یا قادی در متعال؟ یا از آن گونه که در کشورهای نظیر سوئد و اسپانیا و... دست اندرکارند؟ از کدام نمونه؟ اگر گفته شود که در نفس "سلطنت" آن جاذبه ای عام نهفته است، سؤال دومی پیش می آید که:

پس مشروطه از چه روست گرفت؟ سلطنتی بود و سلطانی، مردم چه کم داشتند که جان و مال خود را فدا کردند تا مشروطه ای بیا شود؟

اختلاف میان امیربها درواحتشام السلطنه - شیخ فضل الله و طبا طبا - سورازفیل نویسنده و ناصرا لملک تحصیل کرده از کجا سرچشمه می گرفت؟ اگر سلطنت خالص مطلوب عام بود؟ اینکه تحصیل حاصل بود نزاع و کشمکش و خون دادن و خون ریختن سرب چه سودا می داشت؟

اگر گفته شود که در "جمهوری" و نفس جمهوری انگیزه ی خیزش است با پیسد پرسید آن میلیون ها آدمیزادی که یقه ی مارکوس را گرفتند و ز تخت پیاده کردند و آن دیگری را بجایش نشاندند آیا سرگرمی و تفنن و تنوع کم داشتند؟

این همه آیا کافی نیست تا بما حالی کنند که در پوشش و شکل نظام، آن جاذبه و انگیزه نیست، تا حرکت عامی را سبب شود. زمان را فراموش نکنیم، قرن ها است از عمرنا در میرزا فاسلمه گرفته ایم، تفاوت در دیده ها و سلیقه ها و باورها از مختصات عصر ما است، و نیز از یاد دهنیم که مصلحت و نیا زما در این اوضاع و احوال کوبش معتقدات نیست، دستیابی به نقطه های وصل است. راه یافتن به آن زبانی است که فراسوی باورهای مسلکی، از مصلحت و نیا زما عام سخن می گوید.

فرض سوم: آیا در طرح های عقیدتی (ایدئولوژیک) آن جاذبه ای که بسیج ملی را کفایت کند، سراغ داریم؟ در این زمینه بکرات نوشته ایم و بشرح تفصیلی حاجتی نیست. همینقدر در یادآوری می کنیم که در این روزگار، در زندگی هیچ ملتی، مگر به هیبت اختناق و اتفاق نیفتاده است که یک پیش نهاد و طرح "مسلکی" = ایدئولوژیک داشته و یا حتی نفوذی در بُعد "ملت" بدست آورده باشد. از این روست که دردمکراسی های جاندار و جافتاده انتقال مداوم از اکثریت به اقلیت و اقلیت به اکثریت به یک روند طبیعی و اجتنابنا پذیر مبدل شده است.

جامعه ی فرانسوی که اصل حزب گراشی را (در کامل ترین وجه آن از نهایت چپ تا نهایت راست) پذیرفته و هم کرده است، در این زمینه یک نمونه ی زنده است. واقعیت اینست است که طبیعت "ایدئولوژی" فاقد جاذبه ی "ملی" است. گروه و گروه ها می را جذب می کند و گروه ها می را جاذبه می گذارد.

اما اساس مطلب مانده است و این پرسش:

پس در این اوضاع و احوال، ظرفیت آن نیروی که از یک طرف قادر به براندازی و از طرف دیگر خالق و پیشوا نهی یک نظام ملی است، چگونه پرمی شود؟ به عبارت دیگر آن "نقطه تاکید" و "شعار جامع" چیست که می تواند این ظرفیت را "انگیزیم" بیاورد؟ لااقل به مقیاس کار سازی تا مین کند؟ با رها و به مناسبت ها گفته ایم به تعبیری اوضاع فرانسه ی دوره اشغال و هندی در شرایط استعمار، با وضع کنونی ما شباهت داشته اند.

وطن مانیز در اشغال "بیگانه" است، اختناق غوغا می کند و دستا بیسی به دموکراسی و حاکمیت ملی حدیث روز است.

فرانسوی ها، از نهایت چپ تا نهایت راست - هندی ها از تمام گروه های مسلکی و حتی مذهبی، چاره ای ندیدند مگر آنکه بنا بر اتفاق بگذارند - لاجرم با هوشمندی و احساس مسئولیت "نقطه تاکید" و "شعار جامع" را جستند.

از چپ تا راست - از کاتولیک معتصب تا سوسیالیست لائیک - از برهمناسی تا مسلمان و هندو - بی آنکه از خط معتقدات خود در گذرند محور مشترک را یافتند (دلایل این بوده که هم بیدار بودند و هم مخلص). و به مقصود رسیدند و آن گاه هر کس به خط خود خزید.

در هند طلب مشترک استقلال و خلق دموکراسی و در فرانسه شعار احیاء دموکراسی و دفع اشیال گریه زیستان

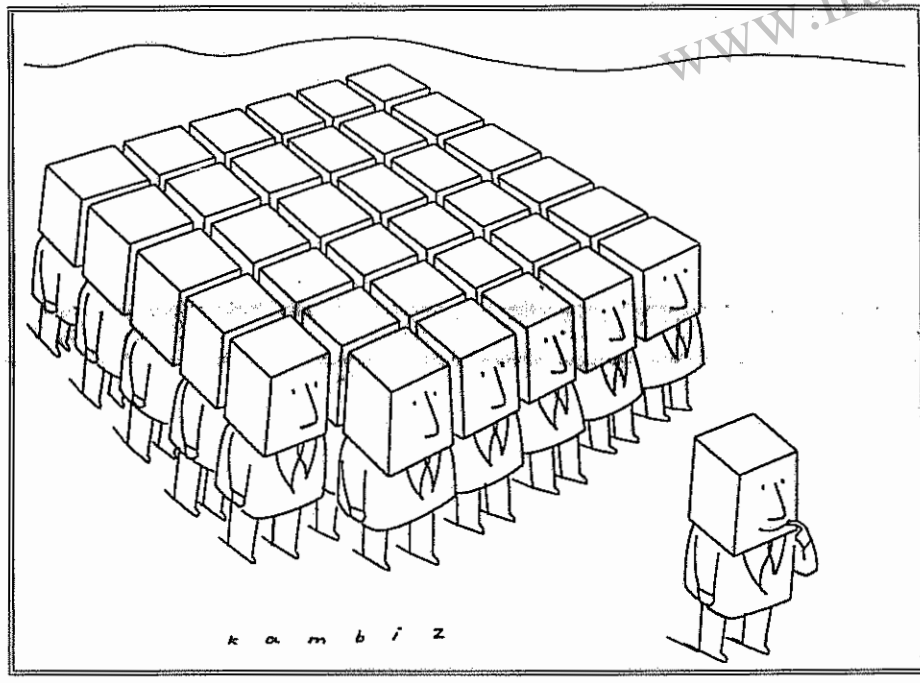
مشترک مبدل شد و "ملت را برانگیخت. " نقطه تاکید" و "شعار جامع" هم که در این مرحله از تاریخ ما می تواند بیشترین نیروها را بسیج کند: دموکراسی و حاکمیت ملی است. هواخواه مشروطه پادشاهی - طرفدار جمهوری - پیروان خط های عقیدتی مسلماً با حفظ معتقدات خود بوسی شکل در شرط عدم وابستگی، اگر بیداری و خلوص در کارشان باشد، می پذیرند که نتایج در کار نخواهد بود مگر بر این پیوند ملی اتفاق کنند.

مهم هضم این واقعیت است که براندازی رژیم حاکم (هیولائی که تا دندان مسلح است و اختناق بهیمی را سپر گرفته است) - و سرانجام پی ریسی دموکراسی و حاکمیت ملی، اساسی ترین مسئله است و این جز در رهگذر اتفاق همه نیروهای ملی دست یافتنی نخواهد بود.

اگر بر این "شعار جامع" نه به حساب نرخ روز - بلکه با درک ضرورت فهم تنها چاره تاکیدی باقی به طلب ملت واگذار شود مسلماً برای "من" مشروطه خواه که حق داریم بر اعتقاد خود بیاوریم و "تو" جمهوریخواه که حق داری در راه خود برانی و "عمر و سوسیالیست که دلیلی ندارد از بسا و خود چشم ببوشد" زید" هواخواه نظم سرمایه داری که آزاد است بر خط خود بماند، دست کم از سفر امروز تا فردا ایها می در همسفری نخواهد آمد.

بر درفش جبهه ی متحد ملی، هر غیر وابسته ای نقشی می تواند داشت، اما آن علامت عام که در زیر آن سه خط تاکید باید کشید، دموکراسی و حاکمیت ملی است، همانست که در مشروطه ی ما، در صریح ترین عبارات تجلی یافت: قوای مملکت ناشی از ملت است.

شما بر این اصل هر جا می ایستد می توانید ببینید. بشرطی که فردائی برسد و ملتی در انتخاب آزاد بشود.



نشانه ی همبستگی تلقی شود و این تنها نتیجه ای است که هیئت لیبی از سفر خود به مسکو به دست آورده است. از سوی دیگر، ژنرال برناردو چرسز، سر فرمانده نیروهای متفقین در اروپا روز جمعه ۲۹ اوت در واشنگتن گفت: لیبی، سوء قصد های تروریستی تازه بی تدارک می بیند و هر گاه این طرح های تروریستی تحقق یابند آمریکا باید بار دیگر تریبولی را بمباران کند. ژنرال آمریکا می در گفت و گویا رسانه های گروهی در واشنگتن تصریح کرد که مدارک مستندی در دست است که نشان می دهد قذافی، در پی حمله آمریکا به لیبی، از نوبه تکا بوبرخاسته است، و دستورها و رهنمودهایی برای از سرگیری فعالیت های تروریستی اش صادر کرده است.

برناردو چرسز گفت: اگر آمریکا بی همتا سیاست آمریکا بی هدف حمله قرار گیرند و مسئولیت لیبی در این حمله ها مسلم شود، ما باید دوباره بر لیبی ضربه فرود آوریم. وی گفت که آمریکا در آنچه به لیبی مربوط می شود بسیار جدی است و اجازه نخواهد داد که قذافی عملیات تروریستی اش را از سرگیرد.

دمشق انتشار یافت، مانوورهای نظامی آمریکا و مصر در دریای مدیترانه از سوی دمشق و تریبولی محکوم شد. طی این بیانیه، سوریه پشتیبانی خود را از لیبی علیه هرگونه تعرضی اعلام داشت و یادآور شد که مانوورهای نظامی آمریکا و مصر، یک نوع اعلام جنگ علیه اعراب تلقی می شود.

طبق گزارش خبرگزاری رسمی شوروی، تا س نمایندگان شوروی و لیبی روز ۲۶ اوت در مسکو اعلام کردند که به شدت نگران تشنج هایی هستند که در لیبی بر اثر عملیات نظامی آمریکا پدید آمده است. هیئت نمایندگی مجلس لیبی، به سرپرستی عبدالرضا سوسا، معاون دبیرکل کنگره ی خلق لیبی، در کرملین با معینان رئیس جمهوری شوروی ملاقات کرد. به گزارش خبرگزاری تا س، طرفین گفتگو اکیدا "سیاست امپریالیستی برخی از محافل واشنگتن را که هرا ز چند گانه نقطه ای از جهان را دارای اهمیت حیاتی می خوانند مورد انتقاد قرار دادند.

روزنامه ی لوموند (۲۸ اوت) درباری ملاقات هیئت لیبی با مقام های شوروی در کرملین، نوشت: اظهارات مقام های روسی بیش از آن احتیاط آمیز است که

گره عابد...!

آیت الله منتظری یک بار دیگر ما را موران رژیم را از سخت گیری نسبت به مردم برحذر داشت و به آنها گفت بر کاری نکنید که مردم را زاصل امر به معروف و نهی از منکر بری شوند، بلکه با زبان خوش با مردم روبرو شوید.

آیت الله منتظری درباره مخالفان رژیم قبلا گفته بود، اگر اندیشه ای مخالف ما است، باشد، اما اگر کسی خواست توطئه کند، حسابش جداست، در باره زنان هم این بار به ما مسوران رژیم گفت بدتوقع نداشتند باید همه افراد مثل هم باشند، یکی حزب اللهی است، یکی بی تفاوت، یکی بی حجاب و یکی بدحجاب. و با زنگفت، البته اگر کسی توطئه کند، حسابش جداست. جان مطلب که عوام فریبی فقیه عابدی را رومی کند، همین است: البته اگر کسی توطئه کند، حسابش جداست.

فقیه عابدی، برخلاف دیگر موران رژیم، تازه به این نتیجه رسیده است که مسئله حجاب تحمیلی به زنان، آنچنان تا ثیری در بافت و سرنوشت رژیم نمی گذارد، اما اگر فی المثل ملت علیه ادا مه جنگ خونین و بی حاصل کنونی فریاد سردهد و همگان بگویند که خواهان رژیم دمکراسی و متکسی به آرای عمومی هستیم، این دیگر توطئه است و باید حساب جدا گانه برایش باز کرد. اگر توطئه این است که ملت به اساس چنین رژیمی معترض است، آری، همه توطئه کردند. بنا بر این آنچه آیت الله در سخنان و زست های

اخیرش وانمود می کند، در مردم بی بهره از موهبت دمکراسی و آزادی را درمان نمی کند. رژیم، حق دارد که هرگونه حق طلبی، هر حرکت اعتراضی را طبعاً "توطئه ای علیه خود تلقی کند. چون با چنین مفاهیمی دمکراسی و آزادی - از ریشه دشمن است و آن ها را خارج خود می داند. پس با مردم، آتش در یک جوی نمی رود.

برای آنکه نشان دهیم "فقیه عابدی" در این باره هم پوچ و یا وه می باشد. نمونه ای از دهها و صدها موردی که خمیرمایه سیاست های رژیم اسلامی است ارائه می کنیم تا ثابت شود آزادی که سهل است. حتی بحث آزادی هم قبلا می است که به اندام ناساز رژیم زار می زند. در این باره بهتر است به ارگان حزب خا منهای - رفسنجانی رجوع کنیم که در همین روزها، درباره طرح بحث آزادی در روزنامه ملاحظه شده که این نوشت: «چرا با بدجبهه ها از حزب اللهی ها بپرکنند، ولی بهنگام نظرخواهی درباره آزادی باید به سراغ لیبرال ها برویم. لیبرال ها اگر توبه کنند و در عمل نشان دهند که از کارهای خلافی که کرده اند پشیمان هستند، تازه باید ۷ سال مانده بسجی ها بدجبهه بروند و در پشت جبهه در خدمت انقلاب باشند تا لیاقت اظهار نظر پیدا کنند.»

در اینجا ما کاری به لیبرال های مورد اشاره روزنامه جمهوری اسلامی که در روی کار آوردن آقای خمینی و شرکاء نقش درجه اول داشته اند، نداریم. این نمونه را آوردیم تا نشان دهیم حتی حق اظهار نظر درباره آزادی از حقوق انحصاری حکومت ولایت فقیه است. بدین ترتیب کسانی از چنین حقیقی برخوردارند که به آتش افروزی های رژیم سوخت برسانند یا خود در آن بسوزند. ما بقی مردم ایران با بدساخت و دست و پاها بسته بمانند و حتی اعتراضی هم به خود سری های رژیم نکنند. بهتر از این نمی شود دمکراسی و آزادی را به مسخره گرفت که در جمهوری ولایت فقیه گرفته اند.

بر اساس این نمونه ها است که تپی بودن سخنان اخیر آیت الله منتظری رومی شود. آیت الله اگر گه گاه، آن هم به ندرمی از بدبختی های که طرفداران ولی فقیه برای مردم و مکتب به همراه آورده اند،

کنفرانس غیرمنتظره در هرات:

هیأت ایرانی

ملحانه وارد شدند

خبرگزاری رسمی کشور آذربایجان میبایوه مقرر اجلاس جنبش غیرمنتظره ها، گزارش داد که اعضای هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی با خود اسلحه به زیمبا بوه وارد کرده اند، اما هیأت اعزامی رژیم تهران ضمن تکذیب خبر این خبرگزاری و با اعتراض شدید به دولت زیمبا بوه از مقامات آن کشور خواست تا در مورد مبداء این خبر تحقیق به عمل آورند.

به گزارش خبرگزاری رسمی زیمبا بوه، در هوا پیمایی حامل وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، علی اکبر ولایتی نیز سلاح های وجود داده شده است.

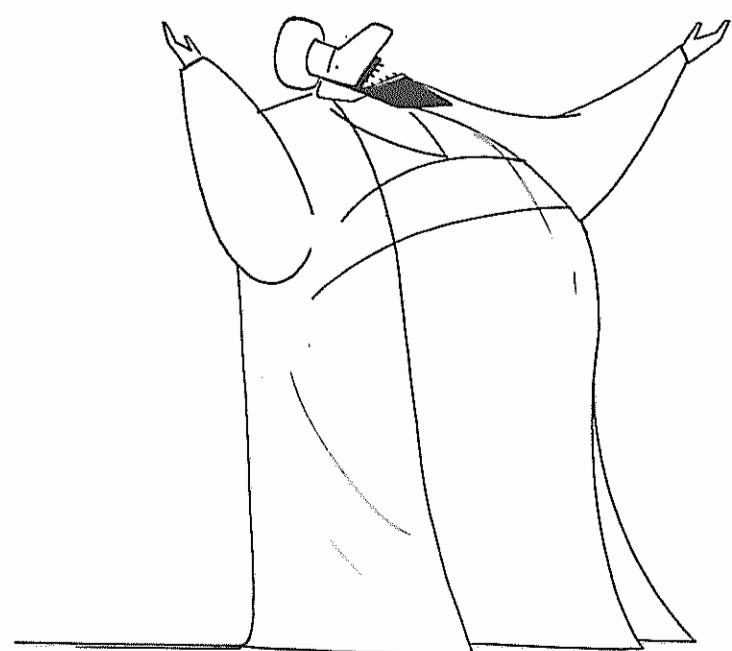
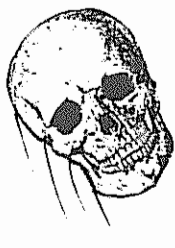
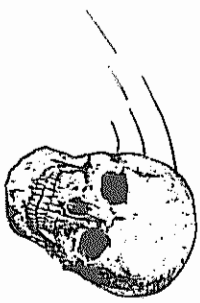
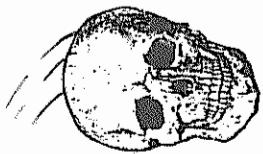
در این میان، سفیر خمینی در سازمان ملل متحد، سعید رحمانی خراسانی که اخیراً از سوی پلیس آمریکا به سرقت در یک فروشگاه متهم شده بود نسبت به گزارش خبرگزاری زیمبا بوه به شدت اعتراض کرد.

رجا ثی ضمن اظهار "تاء شرمعیق" از شنیدن این خبر، از دولت زیمبا بوه خواست تا فوراً تحقیق بعمل آورد و در صورت بی اساس بودن این گزارش از دولت ایران پوزش بخواد.

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه هنگام برگزاری آخرین اجلاس جنبش غیرمنتظره ها در سال ۱۹۸۳ نیز که در دهللی نوشتگیل شده بود، هیأت نمایندگی دو کشور ایران و عراق مقادیر متناهی سلاح با خود وارد هندوستان کرده بودند. در آن زمان، حضور ۱۵۰ گارد مسلح عراقی برای حفاظت از مقامات اعزامی بغداد، و شمار مشابهی یا سدار مسلح برای تاء مین امنیت جان نمایندگان رژیم تهران، سروصدای زیادی در دهللی توپا کرد و در روزنامه ها انعکاس گسترده ای یافته بود.

به گفته خبرگزاری زیمبا بوه ما موران فرد گاه هرات، درجا مبدان های هیأت نمایندگی عراق به سرپرستی طارق عزیز نیز اسلحه گرم کشف کردند.

خبرگزاری ها - ۲۹ اوت ۸۶



کامبیز درم بخش

مردم ایران به تجربه دریا فته اند که از این اما مزاده ها و اما مپورده ها، آساری بهتر از ما م بزرگوارشان بروز نخواهد کرد و این چرخ جزیرمندی که تا بحال گشته است نمی تواند بگردد. دیری است که این ضرب المثل که عده ای را مدتی می توان فریب داد، اما نمی توان همه را همیشه فریب داد، در جمهوری اسلامی مصداق کامل یافته است. مردم ایران به فریب کاری گذشته است. مردم ایران به چیزی جز استقرار کما کما نمی ورسیدند به مرزهای تخطی تا پذیر آزادی و دمکراسی قانع نیستند.

رادیاویران

ایرانی سکونت داشت و می گفتند از طریق مرزبانان آمده و منتظر ۲ فرزند خود می باشند که قرار است از طریق کوه بیابند بدروما در این خانواده در حال اضطراب و تشویش زاید ا لوصفی بسر می برند.

هتل " تهران " محل بازدید بعدی ما بود در این هتل هشت نفر ایرانی سکونت داشتند و از قرار می گشتند قبلاً بیست نفر بوده اند که ۱۲ نفرشان مرخص و به استانبول عزیمت نموده اند.

هتل " قهرمان " محل بازدید بعدی ما بود در این هتل ۲۵ نفر ایرانی کمتر از بیست سال زندگی می کردند در این هتل نیز مثل سایر هتل ها گفتگو و درد دلها شروع شد، در این هتل مادری تنها زندگی میکرد غم و غصه از چهره اش می بارید، آهسته آهسته نزدیک شده از احوالاتش جویا شدم، بیش از چند جمله صحبت نکرد:

شوهرم بجرم اینکه موافق رژیم نبود اعدام شد. بعداً فهمیدم که جان یگانه فرزندم نیز در مخا طره می باشد هر چه داشتم فروختم و عازم ترکیه شدم و اکنون منتظر پسر می باشم که قرار است از بیراهه و کوه به این شهر بیاید، مادر بیچاره پسر زگفتن این جملات چند قطره اشک از چشمانش جاری شد و ما در نهایت تاثر هتل را ترک کردیم.

روز سوم اقامت اطلاع یافتیم که تعدادی ایرانی در دو کیپ ۱۰ و ۷ نفری به تازگی وارد آن شده اند، به ملاقاتشان

بقیه در صفحه ۱۰

یاد می کند دقیقاً " بخاطر آنست که از آینه رژیم بیمنانک است. او همان سیاست مزورانه ای را بیان می کند که معمولاً دورا تدبیران رژیم های بر لب برتگاه، برای فرار از عاقبت شوم خود می اندیشند. می گویند کسی از اصحابشان گفته است، اگر قرار است همه چیز را از دست بدهیم بهتر است، مقداری از آنچه را که به زور گرفته و از مردم سلب کرده ایم، پس بدهیم و خودمان را نجات بدهیم. اما رژیم و دورا تدبیرانش فراموش کرده اند که بسیار دیر شده است.

از دوزخ گریختگان

نمی کرد. حدود یک ساعت در آنجا نشسته و تا آنجا که مقدورمان بود به سئوالا لاتشان پاسخ می دادیم.

پس از خروج از این هتل به هتل " مراد " رفتیم. تعداد ۳۰ نفر ایرانی کمتر از بیست سال در این هتل سکونت داشتند فقط یک نفر مرد ۴۰ الی ۴۵ ساله بین آنها بود که گفته می شد بهائی میباشند و از ترس اعدام از ایران فرار کرده است. در این هتل نیز حدود یک ساعت نشسته با فرد فرد آنها گفتگو و درد دلها را گوش کردیم. موقع خدافظی قرار بر این شد که مجدداً به هتل مزبور سرکشی کنیم از جوان ۱۶ ساله ای که دستش گج گرفته شده بود علت را جویا شدیم اظهار داشت از کوه برت شده و دستش شکسته است.

هتل " بایرام " با ۱۵ نفر ایرانی، محل بازدید بعدی ما بود. جوانان ایرانی مقیم در این هتل اکثراً با سواد و تحصیل کرده بودند. آنها از جنایات رژیم و جنایاتی که به نام اسلام و خدا صورت می گیرد مطالبی بیان داشتند که همه حاضرین در سالن هتل را تحت تاثیر شدید قرار داد و گفتگو در این هتل حدود یک ساعت و نیم طول کشید. در هتل " بش گاردش " یک خانواده

دو تن از عتاق صرملی گزارشی از وضعیت جوانان ایرانی در شهر وان " ترکیه برای ما فرستاده اند که خلاصه ای از آن را در زیر نقل می کنیم:

وان شهر کوچکی است با حدود یکصد هزار جمعیت که اکثر آن ها کردهای باشند در فاصله ۲۵۰ کیلومتری مرز ایران واقع شده است. این شهر در حال حاضر به علت حساسیت منطقه تحت مراقبت و کنترل افراد نظامی و مامورین پلیس و امنیبت می باشد و مابعدت سابقه آشنائی با بعضی مامورین، موفق شدیم برای جستجوی دونفر از بستگان و دیدار آن ها در شهر ما تیم و به هتل ها سرکشی کنیم. متاء سقا نه بستگان خود را پیدا نکردیم ولی آنچه دیدیم بسیار تاء شرانگیز بود.

روز اول به هتل " اعلان " رفتیم که حدودی نفر جوان ایرانی در آنجا اقامت کرده بودند دوسه نفرشان در سالن پایین هتل نشسته و بحالت افسرده مشغول صحبت با همدیگر بودند بعضی دیدن ما، با عجله از اطاق های خود پائین آمده اطراف ما را گرفتند، آثار شوق و شادی در چهره هریک از آنها دیده می شد.

کوچک ترین شان حدود ۱۴ داشت و سن بزرگترین آن ها از بیست سال تجاوز

یست و سومین حمله نهایی!



یدکی آن، جمهوری اسلامی قادر به حفاظت از مراکز صنعتی و اقتصادی کشور در خاکی به مساحت ۳ برابر خاک فرانسه نیست. شکاری - بمب افکن های ما فوق مدرنی که عراق از فرانسه و از شوروی خریداری می کند می توانند هر لحظه، هر جا را که بخواهند منهدم کنند.

در مقابل، جمهوری اسلامی فقط می تواند کارت همیشگی اش را بازی کند: هجوم زمینی با امواج انسانی، هجوم بعدی نیروهای جمهوری اسلامی، به گفته اکثر متخصصان قبیل از ۲۱ شهریور انجام خواهد شد. تاریخچه نشان دهنده آغاز زهقتمین سال جنگ جمهوری اسلامی با عراق است. بدیهی است که میدان این عملیات هنوز سری است اما عراقی ها، این هجوم را در بخش جنوبی جبهه، انتظار دارند. هر چند که عراقی ها در پیش بینی تمام می ۲۲ هجوم قبلی، دچار اشتباه شده اند. با توجه به کثرت استثنای سربازان و برای آنکه حداکثر نتیجه به دست آید سه هجوم همزمان با یکدیگر صورت بگیرد: یک هجوم اصلی در بخش مرکزی جبهه، که می تواند بغداد را در معرض خطر قرار دهد. و دو هجوم محدودتر دیگر در منطقهی فا و جزایر مجنون.

جنگ جمهوری اسلامی با عراق تا بحال به بیای جان بیش از ۵۰۰ هزار نفر تمام شده، که دوسوم این عده ایرانی بوده اند. اما هزینه چنین جنگی، در گزارش های بین المللی، تا بحال به بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار برای طرفین جنگ برآورد شده است. و خرابی های ناشی از این جنگ، در زمانی کمتر از ۲۰ سال ترمیم پذیر نخواهد بود. به علت این جنگ، عراق دچار رده های سنگین شده، و خزانه های جمهوری اسلامی بکلی خالی شده است.

در این جنگ چه کسی برنده است

هنری کیسینجر وزیر امور خارجه ای سابق آمریکا در این باره به شوخی گفته: حیف که این جنگ، بیش از یک بازنده نخواهد داشت! در واقع هر دو کشور، آنقدر در این جنگ از دست داده اند که در نهایت، یک پیروزی کلاسیک، دیگر معنایی نخواهد داشت. عراق دیگر در پی تسخیر ایران نیست، اما خمینی از امیدهای خود دست برنداشته است.

اسرائیلی ها در این میان معتقدند هجوم بزرگ آینده جمهوری اسلامی، پنجاه درصد این بخت را خواهد داشت که صدام حسین مجبور به کناره گیری شود. اما آمریکایی ها و روس ها، فقط یک مسابقه هیچ به هیچ را پیش بینی می کنند.

یک امر قطعی است: خمینی هرگز با صدام حسین صلح نخواهد کرد، مگر آنکه رژیمش از داخل در معرض تهدید قرار بگیرد. بدیهی است که نفع اصلی خمینی، حفظ قدرت خودش است. و بسط قول مخالفانش حاضر است حتی با شیطان هم قرارداد ببندد تا بتواند زندگی سیاسی خود را طولانی تر کند.

بهر صورت، در حال حاضر، رژیم خمینی برغم انزوای سیاسی و بحران اقتصادی، همچنان طاقت ادامه ای این جنگ را دارد. (۰۰۰)

اخیراً "صدام حسین شاید به علت بوجود آوردن تسهیلات در طرح های جنگی موقعیت جدیدی به وجود آورده است وی همسه مسئولیت رهبری جنگ را به ژنرال ها پیش واگذار کرده است. اما تهران نیز از همین موقعیت استفاده کرده اعلام کرده است: صدام حسین خود را پشت سر ژنرال ها پیش پنهن کرده تا مسئولیت شکستی را که بزودی از نیروهای اسلامی خواهد خورد، به گردن آن ها بیندازد.

بنظر می رسد که یک تهاجم نهایی کسه البته از سال ۱۹۸۲ تا بحال بیست و سومین تهاجم نهایی بشمار می آید، غیر قابل اجتناب باشد. جمهوری اسلامی این بار بیش از ۸۵ هزار سرباز بسیج کرده است و اکثر آن ها چند هفته است که در حالت آماده باش بسر می برند. رژیم خمینی احتیاج دارد کاری انجام دهد تا مردم را آرام کند و طرفسداران خود را دست نهد.

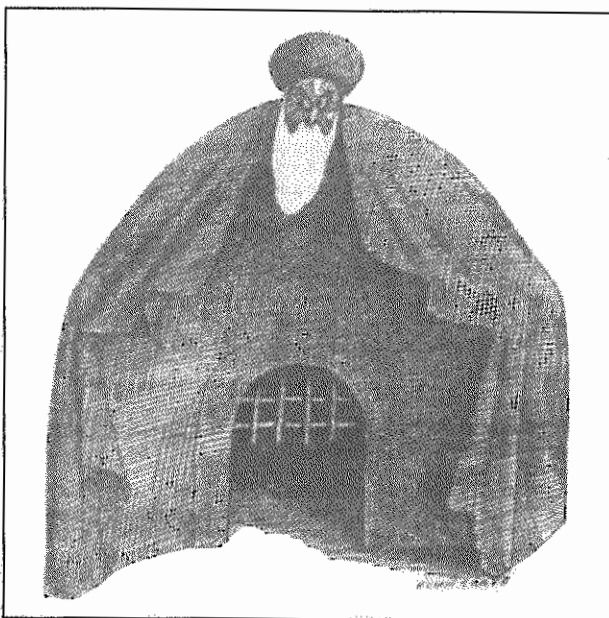
اما خمینی در وضعیت جسمانی خوبی نیست، و مرگ او می تواند همه چیز را تغییر دهد. بدون او، بسیار دشوار خواهد بود که رژیم بتواند در برابر تهاجمی روبه توسعه ای که در شهرها و دهکده ها به وجود آمده است مقاومت کند.

اعتصاب پزشکان، که اعتصاب رانندگان تاکسی، کارگران کارخانه های اتومبیل سازی و دوبر فلزات را به دنبال داشت در عین حال نشان دهنده آسیب پذیری رژیم است و نشانه های وجود دارد که با پذیرفت عناصر صری در داخل رژیم، سعی بر تشویق حرکت های مخالف دارند تا آیت الله را نسبت به ادامه ای جنگ ترغیب کنند.

از سوی موافقان خاتمی جنگ، دائماً به این دلیل استناد می شود که کسه هواپیما های عراقی بدون هیچ گونه واهمه ای می توانند هر نوع هدفی را در داخل خاک ایران بمباران کنند و نتیجه می گیرند که در حال حاضر زمان به نفع جمهوری اسلامی نیست.

سه حمله همزمان

در واقع بدون یک نیروی هواپیما، شر، به ویژه بخاطر کمبود هواپیما و وسایل



است این نیرو را تا پایان دنبال کند. از سوی دیگر، به ادعای رژیم تهران در حمله ای هوایی عراق به جزیره سیری، نشانه های همکاری کشورهای دیگر عرب با رژیم عراق وجود دارد.

به اعتقاد رژیم تهران، دو کشور منظون به همکاری با عراق هستند. نخست امیر نشین راء بن الخیمه که روبروی جزیره سیری قرار دارد. به اعتقاد متخصصان نظامی تهران، میراژ های عراقی که جزیره سیری را بمباران کردند، برای سوخت گیری در فرودگاه راء بن الخیمه فرود آمده اند.

همین متخصصان روایت آمریکایی این قضیه را مردود می دانند که می گویند، سوخت گیری هواپیما های عراقی، توسط هواپیما های مخصوص حمل بنزین از نوع آنتونوف ساخت شوروی، در هوا انجام گرفته است.

دومین کشوری که در کمک به عراق مورد سوءظن قرار دارد، سلطان نشین عمان است. بر اساس این فرضیه، هواپیما های عراقی از ایستگاه های جدید هواپیما دریایی مونسندم متعلق به سلطان نشین عمان، در نزدیکی تنگه هرمز استفاده کرده اند.

بهر حال، از نظر خمینی، اتحاد مستحکمی میان کشورهای عربی، بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در شرف تکوین است. در واقع گفته ای ملک صن دوم پادشاه مراکش، منبئی بر اینکه در حال حاضر، جمهوری اسلامی خمینی خطر اصلی برای اعراب بشمار می رود، و نه اسرائیل، خمینی را نگران کرده و او را بر آن داشته است تا قبل از آنکه یک جبهه واحد عربی علیه او به وجود آید، دست به اقدام بزند.

شوروی و آمریکا

خمینی علاوه بر نگران همدستی های روبه توسعه ای دوا بر قدرت، در حمایت از رژیم عراق و مخالفت با هدف جمهوری اسلامی در برقراری یک حکومت دست نشانده خود در بغداد است.

ایزوستیا، روزنامه ای دولتی شوروی می نویسد: آندره گرومیکو رئیس امور خارجه ای اسلامی را طی دیدار رسمی اش از مسکو، از ادامه جنگ بر حذر داشت و گفت: "به این جنگ بپیوسته و پرخارج پایان دهید. ادامه ای این جنگ حاصل مثبتی نخواهد داشت."

و جورج شولتز، وزیر امور خارجه ای آمریکا طی پیامی به جمهوری اسلامی، از آن خواست که پیشنهاد اخیر صلح صدام حسین را مورد قبول قرار دهند. پیشنهادی که از سوی رهبران رژیم تهران رد شد. خامنه ای در جواب این پیشنهاد گفت: هدف اصلی ما کشتن صدام حسین به دادگاه اسلامی به عنوان جنایتکار جنگی است. و تا وی بر سر قدرت باقی باشد، امکان صلح وجود ندارد.

را مهرمز، شهر کوچکی در جنوب غربی ایران است که به سختی ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد. اما از چند هفته پیش، این شهر، از بیش از یکصد هزار ارتش میزبانی می کند.

این میزبانی که از سر تا سر ایران بزرگ به این شهر آمده اند، بین ۱۴ تا ۱۸ سال سن دارند و وظیفه طلب شهادتند. آن ها با این هدف آمده اند که کفار عراقی را به قتل برسانند و بغداد را فتح کنند. و یا، چنانچه خواست خداوند بر این باشد، در میدان نبرد کشته شده به مقدسان اسلام ملحق شوند. آن ها مطمئنند که در هر دو صورت به جهشت خواهد رفت.

این سربازان جوان الله را می توان از نوارهای سرخ رنگ پارچه ای که به دور پیشانی خود بسته اند، بازشناخت. بر روی این نوارهای پارچه ای می توان این جمله مالخولیا می را با زخواند: اورشلیم ما به سوی تویی آبییم! را مهرمز برای آنان یک اتاق انتظار بهشت است و بغداد در آغوشی است که به آرزوی اورشلیم و انهدام دولت یهود می انجامد.

خمینی یک ماه پیش، به آنان قول داد که بیروزی نهایی تا پایان سال جاری یعنی اول بهار و آغاز سال ایرانی انجام می پذیرد، یک جلسه شورای عالی دفاع در حضور خمینی برگزار شد، تا وی از حاضران بخواهد که کار رهبری عراق را بیکسره کنند.

در همین جلسه، خمینی، حاضران را به قرآن قسم داد که چنان کنند که تا آغاز بهار آینه، پرچم جمهوری اسلامی در شهر بغداد برافراشته شود.

برای دستیابی به چنین هدفی، امام سالخورده که اخیراً "از سوی کنگره ای در اندن، به عنوان رهبر همه مسلمانان برگزیده شد. سه تصمیم مهم اتخاذ کرد. نخست، فرماندهی نیروی زمینی سرهنگ صبا شیرازی را، که با تاکتیک تعرضی امواج انسانی مخالف نبود، برکنار کرد. برکناری صبا شیرازی با برکناری ۳۰۰ افسردیگر که از نظر رژیم آدم های مطمئنی نبودند یا حتی با باز نشسته کردن آنان همراه شد.

تصمیم دوم، تصویب خدمت نظام وظیفه اجباری برای همه از جمله دختران بالای ۱۸ سال بود. این تصمیم، بطور قطع مهمترین تصمیمی است که خمینی از سال ۱۹۷۹ که مقام رهبری ایران را به دست آورد، تا بحال، از سوی او اتخاذ شده است. در طول تمام سال های که خمینی مقام رهبری مخالفان شاه را در ایران به عهده داشت، با فکر نظام وظیفه اجباری

به سختی جنگیده بود و ادعایش این بود که اعلام جهاد عمومی، کاری است که به عهده مراجع مذهبی است و دولت نباید در آن دخالت کند. چه رسد به احضار زنان به خدمت زیر پرچم که در چشم خمینی فقط معنی فساد اخلاقی را داشت.

اما بنظر می رسد که از آن زمان تا امروز، خیلی چیزها تغییر کرده است و اکنون آیت الله به سربازان احتیاج دارد تا بتواند حمله نهایی را انجام دهد، حمله ای که سوگند خورده است آخرین حمله خواهد بود.

در عین حال خمینی سعی بر آن دارد که حداکثر استفا ده را از تمامی امکانات بکند: بودجه ای مملکتی، که توسط نخست وزیر رژیم اسلامی آماده شد و مجلس اسلامی آن را تصویب کرده بود از سوی خمینی مورد تجدید نظر واقع شد: بیش از ۷۰ درصد از درآمد نفت، که نسبت به سال گذشته ۶۵ درصد سقوط کرده است به هزینه های جنگی تخصیص یافت.

خمینی گفت: ما باید ظرف سه چهار ماه آینده کار این جنگ را بیکسره کنیم. به اندازه ای کافی طول کشیده است. اما چرا خمینی می خواهد هر طور شده وضع جنگ روشن شود؟ مسلماً "به این علت است که اقتصاد جمهوری اسلامی در اوج بحران است و دیگر طاقت تحمل یک جنگ فرسایشی را ندارد. به علاوه رژیم عراق نیز ما در ارت نفتی جمهوری اسلامی را بطور جدی در معرض خطر قرار داده است. بمباران پایانه نفتی خا رک و جزیره سیری نشان می دهد که رژیم بغداد اما بیل



چین به ایران اسلحه میفروشد

طبق گزارش هفته نامه "ایزور" چاپ لندن به رغم کوشش ایالات متحده آمریکا برای جلوگیری از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، دولت چین کماکان به صدور سلاح به تهران ادامه می دهد. به گفته دلان اسلحه، دولت چین، که اخیراً "تعداد کثیری موشک زمین به زمین یکی از بزرگترین اسلحه فروخته، اکنون نیا زهای تسلیحاتی رژیم اسلامی محسوب می شود. ولی این اتهام را بکن انکار ورد کرده است.

نشریه "ایزور" به نقل از محافل آگاه می افزاید: واشنگتن، که نگران تهاجم تازه ای دریا شیز توسط نیروهای جمهوری اسلامی است بارها بطور خصوصی نسبت به فروش هواپیما های نظامی به جمهوری اسلامی به دولت یکن اعتراض نمود و هفته گذشته حتی علناً "از حکومت چین خواست تا به بی طرفی خود در جنگ ایران و عراق که آن را رسماً "اعلام کرده است وفادار بماند.

به گفته دلان اسلحه، موشک های که اخیراً "دولت چین به تهران فروخته است سیصد کیلومتر برد دارد و بیش و کم معادل موشک های "اسکاد" روسی بشمار می رود. این موشک ها را که تعداد آن ها ۱۴۴ عدد است دولت چین از طریق کره شمالی تحویل تهران داده است.

ایزور به نقل از مفسرین نظامی می نویسد: رژیم جمهوری اسلامی که از حملات اخیر عراق علیه هدف های حساس ایران سخت احساس نگرانی می کند و از لحاظ توانایی نیسرویی هوایی در برابر عراق فوق العاده ضعیف است، استفاده از این موشک ها را تنها پاسخ متقابل و موثر علیه عراق

صدور نفت از جزیره لارک

خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع دریائی خلیج فارس تأیید کرده است که جریان صدور نفت از جزیره سیری بکلسی متوقف و به پایانه جزیره لارک واقع در دهانه هرمز منتقل گردیده است. علت قطع صادرات نفت جمهوری اسلامی از سیری، بمباران تاسیسات ایمن پایانه توسط جنگنده های عراقی در ۲۱ مرداد گذشته بوده است. به گفته این منابع، ظرفیت صدور نفت از حوزه لارک، روزی یک میلیون و دویست هزار بشکه است، اما طبق آماری که در روز پیش توسط محافل نفتی منتشر گردید، تا بحال جمهوری اسلامی نتوانسته بیش از شصدهزار بشکه نفت در روز از لارک نفت صادر کند. یکی از دلایل کاهش تولید نفت از لارک نامناسب بودن شرایط جوی در دهانه هرمز و موج های عظیمی است که امر بسیار گیری را بسیار مشکل می کند. همین موج ها ویدی آب و هوا در واسط خسارت ماه گذشته باعث شده بود که جمهوری اسلامی از بهره برداری از لارک منصرف گردد و کلیه صادرات خود را از طریق سیری انجام دهد. اما اکنون که جزیره سیری رها گردیده، جمهوری اسلامی چاره ای جز استفاده از لارک ندارد. در عین حال، انتظار می رود که با فرا رسیدن فصل پاییز شرایط طوفانی دهانه هرمز کمی فروکش کند، و امر بارگیری نفت کش ها سهل تر گردد.

خبرگزاری فرانسه - ۲۷ اوت

جبهه نفت

در رودخانه طلای سیاه ایران شاهنشاهی روزی ۶ میلیون بشکه جاری بود. این رودخانه در دوران حکومت آیت الله، در این باستان سال ۱۹۸۶، به جویباری تبدیل شده است که روزی ۶۰۰/۰۰۰ بشکه از آن می گذرد. قبل از بمباران اخیر جزیره سیری از طرف عراق، ایران روزانه هنوز ۱/۶ میلیون بشکه نفت صادر می کرد.

بعکس، عراق تولید روزانه اش را به ۲ میلیون بشکه افزایش داده و از سال آینده می تواند میزان تولید را به ۳ میلیون بشکه در روز، یعنی رقمی نزدیک به میزان تولید قبل از ۱۹۸۰، افزایش دهد. عراق سهمیه تولیدی را که از طرف اوپک به آن تحمیل شده رعایت نمی کند و با جدیت مشغول ساختن لوله های جدید انتقال نفت می باشد. از طرفی لوله نفت خود را به شاه لوله نفت عربستان سعودی متصل ساخته و از طرف دیگر دست به ساختن لوله نفت از طریق ترکیه و یک لوله جدید نفت در عربستان سعودی زده است.

هزینه جنگ برای دوطرف متخاصم سالانه به نژده میلیارد دلار بالغ می شود. اسامع اایدی نفت، ۸ میلیارد دلار برای عراق و اندکی کمتر از ۷ میلیارد دلار برای ایران است. به عبارت دیگر درآمد نفت ایران نسبت به سال ۱۹۸۵، ۶۰ درصد کاهش دارد و درآمد عراق ۳۰ درصد. از طرف دیگر عربستان سعودی قدرتمندترین کشور به نحوی خسارات جنگ را جبران می کند ۲۴ درصد از عواید نفتی خود را از دست داده است. عربستان نه تنها به "برادر عرب" عراق، کمک مادی می کند بلکه پذیرفته است که، برای مدتی، از مرتبه بزرگترین تولیدکننده در داخل اوپک صرف نظر کند تا دوطرف متخاصم بتوانند آخرین حد ظرفیت خود، نفتشان را به فروش برسانند. در دسامبر ۱۹۸۵ سعودی ها تا بحال سهم را از دست دادند و گفتند: ما می خواهیم سهم عادلانه خود را از نفت حتی اگر به قیمت شکستن نرخ باشد، دوباره بدست آوریم. تولید عربستان تا ۶ میلیون بشکه در روز افزایش می یابد (در ژوئیه ۱۹۸۶) و به این ترتیب کل تولید اوپک به ۲۰ میلیون بشکه در روز می رسد و قیمت نفت سقوط می کند: ۱۸ دلار، سپس ۱۰ و بعد ۸ دلار... در تاریخ ۵ اوت، در یک اجتماع مهم اوپک، ایران که به تولیدکننده کوچکی تبدیل شده، موفق می شود سایر اعضا اوپک را به تقلیل تولید (۱۶ میلیون بشکه در روز)

لندن:

مانور بمب افکنهای امریکایی

به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن عصر چهارشنبه ۲۷ اوت ۱۸ فروند بمب افکن اف-۱۱۱ متعلق به نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در چابوت ما نورهی نظا می آبنده پیمان اتلانتیک شمالی وارد یکی از پایگاه های نیروی هوایی انگلستان شدند.

یک سخنگوی وزارت دفاع انگلستان در همین رابطه در لندن اعلام داشت که این هواپیما ها در چابوت عملیات تاکتیکی ناتو به یک سری پرواز زبر فراز خاک انگلستان و اروپا دست خواهند زد.

خبرگزاری فرانسه در پایان گزارش خود از لندن اضافه می کند: که در فروردین ماه سال جاری نیز ۱۸ فروند هواپیمای جنگنده بمب افکن امریکایی از نوع اف-۱۱۱ با پرواز از پایگاه های خود در انگلستان در عملیات نظا می آمریکا در خاک لیبی شرکت کردند، و مواضع نظامی لیبی را بمباران کردند. این خبرگزاری به نقل از ناظران آگاه نظامی می افزاید: که آمریکا در انگلستان دارای بیش از ۳۰۰ هواپیمای جنگی است که ۱۵۰ فروند از آن ها از نوع اف-۱۱۱ هستند.

راضی کند. آیا این یک پیروزی است؟ کارشناسان می گویند: نه، این یک تسلیم است. فعل و انفعال عربستان سعودی هدفی جز این نداشت که رژیم جمهوری اسلامی را به نرمش وادار کند و نما بنده جمهوری اسلامی پذیرفت که عراقی از مقررات انضباطی عمومی معاف باشد...

نکته قابل تامل اینجاست که برای کارشناسان نفتی، چما نندازیک پیمان صلح گاهی خطرناک تر از تشدید جنگ جلوه می کند: یک مسئول شرکت "الفاراب" از تصور یک تولیداتی ۳ میلیون بشکه در روز و سقوط قیمت نفت خام وحشت می کند. یک مسئول دیگر شرکت می گوید: "چه جنگ وجه صلح، عراق نزدیک است به تنها ای ای اف اف تولید بگران کننده را تا مین کند." از این به بعد نوعی "جبر" به شیوه شرقی برپیش بینی های راجع به نرخ طلای سیاه حکومت می کند.

مجله اکسپرس - ۲۹ اوت ۱۹۸۶

بهره برداری از نفت شمال

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی اعلام کرد بزودی با کمک فنی اتحاد جماهیر شوروی، دست به استخراج گاز مایع و نفت شمال خواهد زد. این منابع که مسئله بهره برداری از آن کم و بیش ارا وائل قرن تا بحال مورد بحث بوده در جنوب بحر خزر واقع شده است. طبق گفته خبرگزاری جمهوری اسلامی، جزئیات طرح مذکور در چابوت ما نورهی با مسکو طی ماه آینده توسط یک هیات مشترک ارگارسا و دوطرف مورد گفتگو قرار خواهد گرفت. لازم به یادآوری است که از سیست سال پیش اتحاد جماهیر شوروی در حوزه های نفتی بخش شمالی بحر خزر، روزی دویست هزار بشکه نفت تولید می کند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۷ اوت ۸۶

راديو ایران ساعت های پخش برنامه

Table with 2 columns: Program Name and Broadcast Time. Includes programs like 'برنامه اول' (8:30-9:00 AM), 'برنامه دوم' (6:00-6:30 AM), and 'برنامه سوم' (6:00-6:30 AM).

بیانیه ۶ کشور عربی

به گزارش خبرگزاری ریواسا از عربستان سعودی وزرای خارجه و نفت ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در پایان اجلاس دوروزه خود با انتشار بیانیه ای از تهدیدات اخیر جمهوری اسلامی علیه امنیت و استقلال برخی از کشورهای عضو این شورا، و امکان گسترش دامنه جنگ ایران و عراق به دیگر کشورهای کرانه جنوبی خلیج فارس ابراز تاء سف کردند و خواستار آزادی رفت و آمد کشتی ها در خلیج فارس گردیدند. در بیانیه ای که در پایان بیستین اجلاس مشترک وزرای خارجه و نفت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در شهر "ابهی" در عربستان سعودی منتشر شد همچنین آمده است که هرگونه تهدیدی علیه هر یک از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به معنی تهدید علیه همگی کشورهای عضو این شورا به حساب خواهد آمد. که در حفظ امنیت یکدیگر متعهد و همگام هستند. خبرگزاری فرانسه یادآوری می کند که چندی پیش مقامات رژیم تهران به تهدید برخی از کشورهای خلیج فارس خصوصاً "کویت و عربستان سعودی دست زدند و به آنان هشدار دادند که از

خبرگزاری ریواسا - ۲۸ اوت ۱۹۸۶

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

قصه اسکندر و دارا:

از اسکندر ملعون تا ذوالقرنین

ما قصه اسکندر و دارا را خوانده ایم از ما بجز حکایت مهروفا میسر

اسکندر مقدونی و سرگذشت وی، در ایران داستانی شگفت دارد. آنچه تاریخ در این زمینه می گوید این است که وی پسرفیلیپ مقدونی است، در سال ۲۵۶ پیش از میلاد مسیح به دنیا آمده، در بیست سالگی پس از مرگ پدر به جای وی نشسته و پس از دوازده سال پادشاهی و جهل گشایی در ۳۲ سالگی در قمر بختنصر (نیوکندسز) در بابل درگذشته است. در این دوازده سال سلطنت یونان و روم و ایران و بخشهایی از هند تا دره پنجاب به دست وی گشوده شد. مردی با هوش و صاحب اراده ای آهنین بود. دوسه بار با ایران نیا جنگید و آخرین جنگ وی در بین النهرین به شکست داریوش سوم پادشاه هخامنشی پایان یافت. داریوش بر اثر خیانت سران سپاه خویش به قتل آمد. اسکندر خود را شاهنشاه ایران خواند و دختر داریوش را به زنی گرفت. پس از مرگ وی یکی از سردارانانش بسه نسام سلوکوس فرمانروای ایران شد و با زماننگان وی در مدتی کمتر از یکسال برای ایران حکم را ندادند. سلسله سلوکی ها به دست اشکانیان منقرض و بساط حکم رانی بیگانه بر ایران برچیده شد.

فتوحات اسکندر بزرگ آسا، دوران پادشاهی هخامنشی سخت کوتاه اما مؤثر بود. وی در این مدت کوتاه بیش از شصت شهر به نام اسکندریه در نقاط گوناگون بنا کرد. همین ویژگی ها موجب شد که اندکی پس از مرگ، هاله ای از افسانه، اطراف زندگی شگفت انگیزی را فرا گیرد. یونانیان در باب او و مبالغه ها کردند و او را اسکندر کبیر و منجی تمدن خواندند. افسانه سازان سامی نواحی بین النهرین و خاور میانه، و نیز مصری ها او را ذوالقرنین (= صاحب دوشاخ) خواندند (ظواهر بدین علت که سپاهیان یونانی گله های دوگوشه بر سر می گذاشتند) و اعمال شگفت انگیز: رفتن به جستجوی آب حیات، گشتن بر گرد گیتی و دیدن شگفتی های آن، رسیدن به انتهای جهان و دیدن آن جا که آفتاب در چشمه ای گل آلود فرو می رفت، کشیدن سد روئین به گردنوم بآب جوج و آبی جوج و افسانه های از این دست بدون نسبت دادند و او را تا رتبه پشمگیری بالا بردند. پیش از اسلام، ایرانیانی که اسکندر را ویران کننده تخت جمشید و بر باد دهنده تمدن ایران باستان می دانستند، او را جز با لقب گشک (= ملعون و مطرود) نمی خواندند. اما بعد از اسلام چون نام "ذوالقرنین" (و نه اسکندر) در قرآن به نیکی یاد شده بود، و مفسران نیز در تفسیرهای خود ذوالقرنین را همان اسکندر مقدونی معرفی می کردند (و این امر، قطعی و یقینی نیست چنانچه مولانا ابوالکلام آزاد نیز سابق فرهنگ هند را له ای به نام ذوالقرنین نوشته و در آن گفته است مراد از ذوالقرنین کوروش کبیر است نه اسکندر، و این رساله به فارسی ترجمه شده و انتشار یافته و تمام آن زیر نام "ذوالقرنین" در لغت نامه دهخدا نیز نقل شده است). از این رو رفته رفته افسانه های مربوط به اسکندر در ایران پس از اسلام یافت و اسکندر نام های گوناگون پدید آمد که البته همه با هم اختلاف داشتند و یکی از آن ها را نامی گنججوی در پایان عمر به نام آورد و آن را آخرین بخش پنج گنج یا خمسه خود قرار داد.

شکست یافتن ایران باستان از اسکندر، و منقرض شدن امپراتوری وسیع و مقتدر هخامنشی در مدتی کوتاه،

به دست جوانی که در اصل حکمران شهرستانی کوچک و کوهستانی از یونان بود، برای ایرانیان بسیار رگبار آمد. تحقیر خوارهای ناشی از شکست برای ایشان دشوار بود و اعتقاد به شکست از آن دشوارتر، به همین سبب معلوم نیست چه وقت - اما به یقین پیش از ورود اسلام به ایران - درباره اسکندر افسانه های ساخته شد و در میان ایرانیان رواج یافت مبنی بر آن که اسکندر، فاتح ایران، برادر داریوش سوم پادشاه هخامنشی است. شرح این قصه، موضوع گفتار امروز است. اما آنچه در این مقام باید یاد کرد این است که برادری اسکندر و دارا افسانه های بیش نیست و ایرانیان این قصه را برای آن ساخته اند که شکست مصیبت بار ایرانیان از یونانیان را توجیه، و غرور جریحه دار شده ایرانیان را ارضاء کنند و چنین فراموش کنند که ایران از یونان، و ایرانیان از یونانیان شکست نخوردند. آن که بر شاه ایران چیره شد برادر داریوش بود و بر اثر این گریز، ایران شهر را برادری به برادر دیگر انتقال یافت. از قدیم ترین کسانی که به صحت نداشتن این موضوع اشاره می کنند، یکی نظامی گنجوی است که در اوایل سال های قرن ششم هجری (حدود سال ۶۰۰) وفات یافته است. وی در آغاز نخستین بخش اسکندرنامه خویش (موسوم به شرفنامه)

دو افسانه را در باره نسب اسکندر یاد می کند: یکی آن که مادرش زنی زاهد بود که از شهرشوی خویش آواره شد و در ویرانه های اسکندر را به دنیا آورد و خود به درد زادن بمرسد. شاه روم فیلقوس از نزدیک آن ویرانه می گذشت و وجد زن را با کودک نوزاد دیدید. طفل را برگرفت و به خانه برد و به تربیت او همت گماشت ...

بیرد و بیبرورد و بناختنش پس از خود، ولی عهد خود ساخت به گفته نظامی، دومین داستان بر سر آخته ایرانیان است: دگرگونه دهقان آذربهرست به دارا کندسل اوبازبست اما شاه هر دو قصه را رد می کند: ز تاریخ ها چون گرفت قیاس هم از نامه مردایزد شناس در این هر دو گفتار رستی نبود گزافه سخن (= سخن بیهوده) را درستی نبود درست، آن شدا ز گفته هردیار که از فیلقوس آمد آن شهریار دگر گفته ها چون عیاری نداشت سخنگو در آن اختیاری داشت (= آن ها را برگزید) سپس به شرح ولادت یافتن اسکندر در دربار ملک فیلقوس می پردازد و گفته های وی از موضوع ما خارج است.

افسانه برادری اسکندر و دارا پس از راب (= داریوش سوم) به تفصیل تمام در کتابی آمده است موسوم به دارا نامه، اثر ابوطاهر طرسوسی. این ابوطاهر در استان سرایی بزرگ است که خوش بختانه در استان های بسیاری از آن را و باقی است، مانند با مسلم نامه و دارا نامه و در استان قران حبشی و استان های دیگر. دارا نامه وی به تصحیح استاد ذبیح الله صفا در تهران چاپ و منتشر شده است و نیمه از آن در حقیقت سرگذشت افسانه ای اسکندر است چنان که به آسانی می توان نیمه از کتاب را اسکندرنامه نامید. این کتاب سرگذشت پهلوانی نیانگ را (و اسکندر) از بهمن کیانی، وهما و دختر او، و دارا (پسندار) و دارا و حوادث قهرمانی بسیار شیرین و دلکش است و امیدواریم در شماره های بعدی، یک یا چند داستان از این دارا نامه را نیز به خوانندگان گرامی تقدیم داریم.

در شاهنامه فردوسی خلاصه سرگذشت های بهمن وهما و دارا و سرانجام دارا و برخورد وی با اسکندر آمده، و فردوسی افسانه برادری اسکندر و دارا را در کتاب خود منعکس کرده است. به گفته شاهنامه، دارا فرزند بهمن وهما، پهلوانی دلیر بود و چون مادرش در کودکی او را در صندوقی نهاده و به آب انداخته بود، وی را "دارا" خواندند. این کودک را مردی گاو زار (= جامة شوی) از آب گرفت و پرورش داد. اما دارا کارگزار زری را دون شاه خود می دید و به سواری و پهلوانی روی آورد، و در میان سپاهیان شاه ایران (همای دختر بهمن) افتاد و فتوحات نمایان کرد، و سرانجام همای دانست که این سردار رشید جوان پسر است و او را گرامی داشت و تخت و تاج ایران را بدو سپرد و خود را تسلط کنساره گرفت. دارا در دوازده سال پادشاهی کرد و شهر "دارا بگرد" را بنیان نهاد و با تازیان جنگید و آنان را شکست داد و سپس از این پیروزی به روم تاخت:

شاد ز دشت تیزه و ران (عربستان) تا به روم همی گشت روم اندر آباد بموم

به روم اندرون شاه بد فیلقوس یکی بود پادشاه و شاه سوس (نام جایی است) نبشتند نامه که پور همای سپاهی باور بی مر (= بی اندازه) ز جای چو بشنید سالار روم این سخن به یاد آمدش روزگین که بن فیصرتنیز سپاهی گرد آورد و در برابر بر سپاه دارا آمد: دو رزم گران کرده شد در سه روز

چهار چو بی فروخت گیتی فروز (= خورشید) گریزان بشد فیلقوس و سپاه یکی را نبرد ترگ و رومی کسلا ز و کودکانشان بردند اسیر بگشتند چندی به باران تیزر شاه روم پس از شکست شدن فرستاده ای پیش دارا فرستاد و صلح خواست و بدو گفت:

تو آن کن که از شهریان سزاست پدرا شاه بود و پسر پادشاه دارا نیز آزادگان و سران و مهران را بخواند و با ایشان در این باب رای زد. نامداران بدو گفتند شاه روم را دختری زیباست. اگر پادشاه او را بخواد و میان دو خاندان ملتتی صورت گیرد دشمنی ها از میان برخواد و هخامنشی یک از دو طرف نیز شکست خورده و

بی آبروی نخواهد شد. پس: فرستاده روم را خواند شاه بگفت آنچه بشنید از نیک خواه

بدو گفت: رو پیش قیصر، بگوی که گزشت خواهی همی آب روی پس پرده تویکی دختر است که بر تارک بانوان افسر است نگاری که نا هید خوانسی و را بر اورنگ زرین نشانی و را بر من فرستیش با باژ روم چو خواهی که بی رنج مانی به یوم فرستاده برفت و بیغام شاه را پیش قیصر برد. قیصر از این سخن شاد شد، و از خدا خواسته قرائی بر سرای پرداخت مبلغی کلان به عنوان باج و خراج (که فردوسی جزئیات آن را شرح داده است) سالیانه گذاشته شد و برای نخستین بار آن را آماده کردند. پس شاه روم: بفرمود تاراه را ساختند

زهر کار دل ها بپر داد ختند (= خالی کردند) برفتند با دختر شهریار گران ما یگان هر یکی بانشار یکی مهر زرین بیا راستند پرستنده (= خدمتگار) و تاج زر خواستند

و دختر را با صدا شتر که با آن دیبای روم بود و سیداشتر از گسترده و غلامان و کنیزان، جام های زرین، پسر از گوهرهای شاهوار در دست، به درگاه شاه ایران فرستادند. شرف (= اشرف) خوب رو با دارا سپرد گهرها به گنجور (= خزانه دار) او بر سر شاه ایران بیش از آن در زرنگاه نما ندوبادار را خویش شادان روی سوی ایران نهاد. اما: شبی غفته بدماه با شهریار

پراز گوهر و بوی و رنگ و نگار همانا که برزد یکی تیز دم شهنشاه از آن دم زدن شد دژم بیباید و در جا (= رختخواب) سر زوبخت که از نکبتش (= بی دهنی) بوی ناخوب یافت دل شاه ایران از آن بوی ناخوش که زدها نا هیسند شنیده بود بروی سرد شد. از آن پس پزنگان بیامند و دارا روی سوزاننده کام، که در روم آن را "اسکندر" می خوانند بر دهان وی بمالیدند. زن از آن ناخوشی رهایی یافت و بوی بگردان وی رفع شد، اما چه سود: اگر چند مشکین شدن خوب چهر

دژم بود دارا را جای مهر دل پادشا سردگشت از عروس فرستاد با زین سوی فیلقوس غمی (= غمگین) دختر و کودکی در نهان گفت آن سخن با کسی در جهان چو نه ماه بگذشت از آن خوب چهر یکی کودک آمد چو تا بنده مهر

ز بالا و رنگ و زبویا بر سر که فرخ همی داشت آن نام را که از ناخوشی یافت او کام را فیلقوس از بیم رسوایی، پسر زدن دختر خویش را آشکارا نکرد و اسکندر را فرزند خویش معرفی کرد: همی گفت قیصر به هر مهنبری که پیداشد از تخم من قیصری

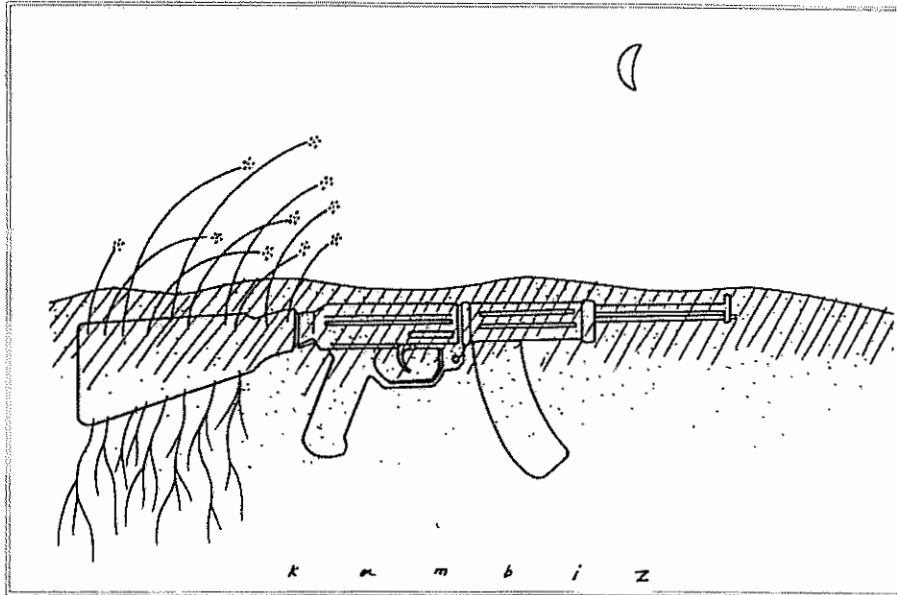
نیازد کس نام دارا بر سر اسکندر بیبرود و قیصر پدر

شرح باقی داستان، همان است که در تاریخ آمده است. اسکندر پس از مرگ پدر (که بنا به روایت شاه نامه پدرا که جدا داری وی بود) بر تخت روم نشست و ارسطو را وزیر خویش ساخت. در ایران نیز دارا به جای پدرش دارا بر تخت شاهی نشست. با زوجه های افسانه آمیز داستان اسکندر که هم در شاهنامه و هم در روایت های یونانی افسانه اسکندر منعکس شده این است که وی خود به نام فرستاده اسکندر به دربار دارا رفت: چو سیر آمد از گفته رهنمای چنین گفت کا کتون جز این نیست برای که من چون رسولی شوم پیش اوی همه برگرایم کم و بیبیش اوی اسکندر چنین می کند و با دارا روبرومی شود، به روایت فردوسی: چو دارا بدید آن دل و رای اوی سخن گفتن و فریب لالی اوی توگفتی که دارا است بر تخت عاچ ابایاره (= بازو بند) و فریب طوق و تاج بدو گفت نام و نژاد تو چیست



دین در خدمت استعمار

نویسنده: دکتر علی مظاهری استاد دانشگاه سوربن



از بیرون، مبنی بر فلسفه‌ای فلاطون، ولی، از درون، فلسفه، یعنی کلام کلام روا قیون است و آن نیز سراسر با مذهب شیعه و شریعت ربط می‌دهند. کتاب معروف قرآطمه، رساله‌هاست که پنجاه ساله است تا یک مقدمه که آن عنوان رساله دارد، ابو حیان توحیدی در کتاب الامتاع والموانع - اللیله السبعه عشره (گوید وزیر صمصام الدوله بوئی به من گفت آیا میدانستی این کتاب که این اواخر انتشار یافته چیست؟ و مؤلف آن کیست؟ گوید، جواب دادم، آنرا عده‌ای در شهر بصره، نگاشته و منتشر نموده‌اند و در دست مردم می‌گردد. نماینده‌ی آن‌ها، یا رئیس آن‌ها ابوسلیمان محمد بن معشر بن سبئی (بیستی؟) مشهور به ابوسلیمان مقدسی است.

گویی و بنیاد استعمار، جستجانی آن را چند روز خواند و به من پس داد. و گفت این‌ها مردمانی متقلب اند. در اول هر ساله چند اصطلاح از یکی از علوم فلسفی را می‌آوردند و سپس حرف‌هایی را می‌نویسند که درست نقطه‌ی مقابل فلسفه، یعنی متد مطالعه‌ی علوم مثبت است. علوم ما فلاسفه، روی تجربیات است ما ننشد داروسازی و پزشکی، یا روی استدلال است، ما ننشد هندسه و ریاضیات و ربطی ندارد به علوم منقولات ما ننشد شریعت و فقه و فال گویی و ما منت و نبوت، هرگز نشاید و نباید علوم ما فلاسفه را با منقولات و معقولات جا زد، هر کس چنین کند، متقلب و دروغ گو است. گوید، روزی، در یک سفر از کتاب‌های در بغداد میان جوانی حریری نام و یک مبلغ قرآطمه "الهیجریون" مناظره شد. جوان گفت، چرا در این رساله اخوان الصفا مطالب شریعت را که بر بنیاد نبوت و معجزات است بنا عناوین علوم فلسفی که بر بنیاد استدلال و تجربه است مخلوط کرده‌اند. مقدسی گفت، آری، هر دو نوع در این رساله آمده، شریعت به جای طب برای بیماران، یعنی عوام است و فلسفه اش به ما بهی کتاب بهداشت برای خواص و تندرستان، جوان گفت: این دیگر چه کلکی است؟ طب یک کسب است، یک طب برای بیمار و یک طب برای تندرست. مقدسی گفت، رساله اخوان الصفا را جوری نوشته‌اند که فیلسوفان از شکر بهره‌ی حکیمان و منتشره از شکر بهره‌ی مذهبی‌ها، ناچار در آنجا سخنان حکما و فلاسفه را با آیات قرآن و احادیث و اخبار ائمه اطهار و امثال عرب تدبیر فرموده‌اند، تا هم‌عقلان مجذوب شوند، هم جا هسلان، دانشجو حریری نام گفت: پس این برای فریفتن هردو است، هم گروه حکمت طلبان و هم گروه انبوه دیوانه‌ها - گویان!

قرآطمه از ۸۹۴ میلادی تجارت فلغل را در خلیج فارس قبضه کرده بودند. مورخان ما ننشد گویه و ما دلونکه تاریخ آنها را تا ۹۷۷ میلادی بیشتر نتوانسته‌اند ضبط کنند، چون غدا الدوله توانست تا یک اندازه از توسعه آنان مانع گردد.

جنگیان صلیبی. بالعکس همواره این شرکت فلغل بود که با هزاران انتریک می‌توانست جنگجویان شرقی نژاد و جنگ آزمايان فرنگی نژاد را به جان یکدیگر انداخته از آبستن زد و خورد های ساده لوحانه بهره‌کشی کند. ما آن بی‌بیان و اما رتجاری قرآطمه را و مال اسما عیله را - بجز استاد "کیت" قاهره در دست نداشتیم و اصول و فروع مذا هب آن‌ها را هم خوب نمی‌دانیم فقط می‌دانیم که ما ننشد بوقلمون و حربا هر گاشی و هر گاشی، رنگ عوض می‌کرده‌اند. و همین می‌رساند که شغل اصلی آن‌ها مذهب نبوده، بلکه مذهب، نقاب‌سی و رعب‌پوشی برای عملیات دیگر بوده است. و این عمل اصلی نیز، گرد آوردن ثروت‌های هنگفت بوده است و از سفرنامه‌ی ناخرسرو که هم سیطی اسما عیله و هم سیطی قرآطمه را سیاحت نموده معلوم می‌شود که شغل اصلی شان، تحصیل مال دنیا بوده است. اما ناخرسرو خراسانی ساده‌دل، هرگز از خود نپر سیده، آیا این ثروت، به ویژه در مورد ثروت سیطی قرآطمه، از چه ممری حاصل می‌شده است. اگر ناخرسرو، با زرگان می‌بود مطلب را می‌فهمید، اما او ادیب و شاعر نبود، از اقتصاد ابداء سرشته نداشت از قلم‌های فلغل شنیده و به قافیه‌های قلم‌های سپیده بود!

من در برابر چشم از قرآطمه یک سند فلسفی دارم و آن رساله اخوان الصفا و ولخان الوفاست، و از اسما عیله نیز نگارش‌های موسوم به جابربین حیان را دارم که مرحوم پال کسراوس گرد آوری نموده و منتشر ساخته است. نگارش‌های فلسفی قرآطمه و اسما عیله

شرکت فلغل خلیج "قرآطمه"، بصره و فرات و حدود شامات را به یک جوری متصرف شد تا بتواند تکا روان‌های خود را تا روم و آن حدود برساند. هر چه سرمایه در دستگاه خلافت عباسیان بود این شرکت آن را بخود کشید و گروه بسیاری از کارمندان دستگاه خلافت، سرسپرده‌ی این شرکت گشتند و تنزل مالی بنی عباس را آن‌ها آغاز نهادند و با خرج کردن پول‌های هنگفت، سامانیا را و دیلمان را و کردان و حمدانی را بردستگاه بفرستاد شورا نیتند و در اوائل قرن دهم میلادی، خلافت عباسیان ورنگت شد و تمام سیاره‌ی وجه‌بنده یعنی کابیتا لیست‌ها از بغداد به مصر رخت کشیدند.

در حدود ۸۸۰ میلادی، بانک داران خلیج فارس، یعنی "صیرافالوس" (یعنی سیرافیان شوش) یک شعبه بازار در تونس (السوسوالاندنی) و یک شعبه هم در مراکش (السوسالاقبی) شوش دور دست "دایر نموده بودند؛ در آنجا کالاهای ایران را، با طلای سرزمین غنا - در جلماسه - مبادله کرده، سرمایه‌های فراوانی فراهم نمودند. بعد از شکل یافتن بازرگانی فلغل، کم‌کم این سرمایه‌های هنگفت را وارد این کار ساخته، دستگاه عبیدالله مدعی علویت و مهدویت، یعنی رژیم بالاستقلال را علم کردند و مرحله به مرحله نخست مراکش، سپس تونس، و سرانجام مصر را تصرف نموده بعد از سیطی مهدیه تونس سیطی قاهره - مرکز شرکت فلغل اسما عیله را ایجاد کردند که چند قرن دوام یافت. عملاً ۱۵۰۰ میلادی، دستگاه شرکت فلغل، به اندازه‌ی استوار بود که نه‌آل بویه و نه سلجوقیان و مغولان توانستند آنرا واژگون کنند. نه مسیحیان موسوم به

باید دانست که علم تاریخ بسیار تازه است، چون فهمیدن تاریخ، باز بسته به دانستن جغرافیای هر منطقه است، از روی کمال و تمام، و جغرافیای دقیق، و علمی و فنی خاورمیانه و نزدیک، حاصل معلومات متعددی است که در این سال‌های اخیر بدست آمده و تازه به دست فهمیدن جریان‌ها و اتفاقات قرون گذشته یک زمینه علمی فراهم شده است. در قدیم، ولایات، شهرها، بازرگان‌ها، و راه‌های یافت می‌شد، که بعدها موقوف گردیده و در قدیم بیابان‌ها، کوهستان‌ها و دریا‌های ممتنع العبوری بوده که در این دوره دیگر ممتنع العبور نمی‌باشد و بازرگان‌ها بی‌بوجود آمده که در گذشته موجود نبوده است، ناچار اوضاع اقتصادی و اجتماعی دگرگون شده. مثلاً، الان روشن است که جنگ جهانی گذشته، و جلد سوم جنگ جهانی فعلی است. ربط استواری با معادن نفت منطقه‌ی ما و کشمکش‌های برای تصرف آن‌ها دارد. سرنوشت ایران و کشورهای مجاور ایران، در این قرن ارتباط مستقیمی با این قوه دارد. اگر این علل لعل را ننشاندیم، از گفتگوها و کشمکش‌های داخلی و خارجی ایران، ابداء چیزی نمی‌فهمیم و ناچار ما ننشد مورخان قدیم، تمام تحولات را با یک مجهول کلی، یعنی به قضا و قدر حواله نموده، بگوئیم:

اگر مقدار حال جهان این‌ها نه قضاست؟ چرا مجاری احوال برخلاف رفاست؟

در حدود ۸۶۰ میلادی میان اقیانوس هند و اروپا بازرگان‌های جدیدی ظهور نمود که مادی عده‌ی آن فلغل بوده است. عرب‌ها بعنوان جهان، از راه دریای خشکی، رساله کشورهای مسیحی را می‌تازیدند، گا و گوگوسفند مسیحیان را می‌ربودند و خوک تنها حیوانی بود که تا زین غارت نمی‌کردند، بنا بر این تجربه، مسیحیان، روز به روز کمتر گا و گوگوسفند و بیهوش خوک، حتی به صورت ربه‌های خوک، تربیت نمودند. اما زمستان، علوفه برای خوک نداشتند، آن‌ها را کشتار می‌کردند، ولی نمک بسیار گران و در اختیار پادشاهان و امرا بود، برای اینکه گوشت خوک فاسد نشود، به آن فلغل زدن و کالیاس، به انواع و اقسام آن، اختراع شد. در اوایل قرن نهم میلادی، تقاضای فلغل روز افزون شد و با فروش فلغل که آن از سواحل اقیانوس هند به سواحل مدیترانه برده می‌شد، گروهی تحول حاصل نمودند، سرمایه‌های که تا آن روز صرف استخراج مروارید می‌شد، در راه تجارت فلغل سرازیر شد و راه فلغل دوتسا بود یکی راه خلیج فارس و رود فرات و حلب، و دیگری راه عدن - عذاب رود نیل و اسکندریه، تا ونیز یا حدود ایالتیالی. برای کنترل این تجارت و این دوره بود که، دو شرکت تجاری بین المللی پیدا شد. یک به عبادت آن روزگار، هر دو شرکت رنگ و صبغه دینی داشت، به ویژه که خوالج (خورج) یعنی خاریان به معنی خالیان - خلیجیان (اهالی جزیره‌ی خارج - خارک) در هر دو شرکت بودند - شرکت خلیج فارس نشین، معروف به "مذهب قرآطمه" و شرکت مصری معروف شد به "مذهب اسما عیله"!

قصه اسکندر و دارا:

از اسکندر ملعون تا ذوالقرنین

کشتن و رسیدن به شهر زن و رفتن در تاریکی جستجوی آب حیات و دیدن شگفتی‌های با ختروستین سدیاء جوج و ماء جوج و آگاه شدن از مرگ خویش و دیگر داستان‌های وی همه را تکرار می‌کند. این قسمت از شاه‌نامه یعنی سرگذشت افسانه‌ای اسکندری شک ایرانی و پهلوی نادر در اصل از منابع رومی و سریانی به عربی و از آن جا به زبان فارسی راه یافته است.

* - فیلقوس، صورتی است تحریف شده از فیلقوس، که آن نیز پارسی شده کلمه فیلیپوس (درفرانسوی: فیلیپ) است. ظاهراً چون برزبان آوردن دو حرف (ف) از پی هم برای ایرانیان آسان نبوده، رفته رفته فیلیپوس به فیلقوس و سپس فیلقوس تبدیل شده است. از سوی دیگر چون بی سوادان و عامه مردم هر نامی را که برایشان ناآشناست به کلماتی که بی‌آن آشنا می‌دانند تحریف و تبدیل می‌کنند، در اسکندر - نامه‌های متأخر، یعنی روایت‌های بر ساخته عصر صفوی که تا این اواخر نیز در قهوه‌خانه‌ها از روی آن نقل گفته می‌شد کلمه فیلقوس نیز به فیلقوز (= فیل + قوز) تحریف و شغل او نیز از پادشاهی به "حکمت" تبدیل یافته، و پدر، یا جد مادری اسکندر، "فیلقوز حکیم" خوانده شده است!

همه، یا دپایان برانگیختند ز پیش جهان‌اندا ریگریختند اسبان سستی نمی‌کنند، و اسکندر که بموقع از جای جنینیده بود خود را ز لشکر دارا بیرون می‌اندازد و سواران دارا به گردوی نمی‌رسند. از آن پس در طی سه جنگ دارا از وی شکست می‌خورد... فردوسی پس از شرح کشته شدن دارا به دست دوزیسیر خویش چا نویسار و ماهیار، از سلطنت اسکندر سخن می‌گوید و تقریباً "هر آنچه را که در اسکندر نامه‌های سریانی آمده بود، از رفتن به هند و اروپا رویی با کید هندی و رفتن به جنگ فورهندی و کشتن وی، و حتی رفتن به دیدار رکعبه، و لشکر کشیدن از جده به مصر، و نا مهنوشتن به قیدافه پادشاه اندلس و پیمان بستن با وی و رفتن نزد برهمنان و پرسیدن رازها از ایشان و رسیدن به دریای خا و ورودیدن شگفتی‌ها و رفتن به حبشه و سپس به سرزمین نرم‌پایان (= دوال پایان) و ازدها

که بر فرزند پوزرت (= قامت) نشان کبی است از انداز به کبیری برتری منایدون (= چنین) گمانم که اسکندری اسکندرا نکا رمی کند و در رفتار خویش با شاه می‌کوشد این گمان را از او دور سازد. اما در پایان مجلس گروهی که برای خواستن باژ و خراج به روم رفته بودند به مجلس وارد می‌شوند و چون اسکندر را نزد شاه می‌بینند، در برابر شاه آفرین می‌خوانند و آهسته بدومی گویند که این شخص اسکندر است. اسکندر از تیزهوشی حدس می‌زند که فرستادگان با شاه چه گفته‌اند. پیش از آن که اورا بگیرند وقتی روز تیره تر شد به بیانه‌ای از سرا پرده بیرون می‌آید و پای در رکاب با سب خویش می‌کشد و با سواران خویش می‌گوید: که ما را کنون جان به اسب اندراست چوستی کند، با دما ند به دست



نامه‌ها و نظرها

جواب نامه با تسمی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. نویسنده نامه‌ها مسئولیت افکار و عقاید خود را بر عهده می‌گیرد. ما مسئولیت افکار و عقاید شما را نمی‌پذیریم. اگر نامه‌ها و نظرها را می‌خواهید در این فصلنامه چاپ کنید، لطفاً نام و نشانی خود را درج کنید تا بتوانیم با شما تماس بگیریم. اگر نامه‌ها را می‌خواهید در این فصلنامه چاپ کنید، لطفاً نام و نشانی خود را درج کنید تا بتوانیم با شما تماس بگیریم. اگر نامه‌ها را می‌خواهید در این فصلنامه چاپ کنید، لطفاً نام و نشانی خود را درج کنید تا بتوانیم با شما تماس بگیریم.



اماخانه

روز دوازدهم ژوئیه خبرنگار تلویزیون دولتی ایتالیا (کانال اول) گزارشی از جماران پخش کرد که در آن متذکر شد بعد از ماهی تلاش این اجاره را یافته بود. خبرنگار که در مقابل دیوار معروف تکیه جماران روبرو ایستاده بود (جمعه ۲۰ تیر - ۱۱ ژوئیه) را گزارش می‌کرد توضیح داد که ماهی خمینی در پشت این دیوار (دیوار رنگ قناری) در دو طبقه زندگی می‌کنند و این دو طبقه را یکی از دوستان او از روی لاف به ایشان اجاره داده بود...

در اینجا بود که برگ غیرت مذهبی ام‌بیرون زد و با خود گفت این دست گل را حتماً باید یکی از حزب الهی ها بکشد. ماهی خمینی را در جریان اجاره نشینی رهبر جمهوری اسلامی گذارده باشد، این مطلب با عفت نگارنی بسیار من شد لذا از مقامات مسئول جمهوری اسلامی تقاضای من است تا نام و نشانی و میزان اجاره خانه نام از طریق روزنامه‌های رسمی به همه مؤمنین اطلاع داده شود که ننگد خدای نکرده یک روز اثاث نام را رفیق آقا بیرون بریزد (چون آقا هم نسبت به رفقای سابق خود رحمی نکرد) و باعث آبروریزی ملت مسلمان ما پیش اجانب نشود!

چون ایمان و اشق دارم که همنسوز مؤمنین هستند که با سهم امام و بقیه وجوهی که برای دفع بلا (صدقه و غیره) برای جلوگیری از عقوبت‌های محرابی محراب‌ها و هدیه‌های خت از بی‌سپاری پناهی " امام " جلوگیری خواهند کرد. البته امکان بروز حادثه‌های هسروز بیشتر می‌شود چون ما (برخلاف بی‌سپاری مردم فرنگی لامذهب) بهتر میدانیم که در آیدیک آخوند بیشتر از طریق پول‌های جزئی منبر رفتن و یا نماز میت و قرآن خوانی و این جور خدمات مذهبی تاء مین می‌شود و امام خمینی از انجام چنین خدماتی روز بروز عاجزتر می‌شوند.

لذا برای جلوگیری از پیش آمدن گوار خوا همنساز است مقامات دولت اسلامی نام و نشان موجراما و میزان اجاره خانه دو طاقی رهبر اسلامی را در روزنامه‌ها یا نشانی اعلام کنند تا مؤمنان با تماس با ما یا حیا خانه از آبروریزی احتمالی که در مقابل ملل کفار باعث شرمندگی خواهد شد، جلوگیری بعمل آورند.

از طرف یکی از مؤمنین انعطاف ناپذیر ایتالیا - علی خیام

شاه دوستی مصلحتی

سلام گرم و مخلصانه اینجانب را بپذیرید در ابتدا باید عرض کنم که بنده مصلحت یکسال است که مثل بسیاری از هموطنان عزیزم از جنگال رژیم خمینی گریخته‌ام و به کشور آلمان غربی پناهنده شده‌ام و علت نوشتن این نامه مختصراً آن است که با شما ایران دوستان عزیز در دلدلی کرده باشم و به قول معروف عقده‌گشایی که اگر با زگونشود چون عقده‌های چسبیده دوباره سر بر زمین رود و فرنگ ایران زمین را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد و پیش از آنکه این بیمباری

بدرهای دور افتاده زخان ومان و فرزند، بتوانند عروسی برای دختر سرک چهار ساله شان بفرستند.

با احترام - آلمان - یا ورنژاد

تحریف تاریخ

امروز وطن پرستی و ایران دوستی در داخل ایران گناه و جرم محسوب می‌شود. اما با نگاه به گذشته‌های نه چندان دور به یاد می‌آورم که چگونه عاشقان ایران و آزادگان را سرکوب و مذهبیین را برهمنی می‌دادند. مصدق را دشمن خطرناک انگاشته و آگاه یا نا آگاه قدم در راه او باستگی نهادند.

تاریخ را تحریف کرده و ذهن جوانان مان را از وقایع دورنگا جدا شدند. تا حدی که دانشجویان نیز سوسیالیسم را بهتر از زرخ دادهای مشروطیت می‌شناختند. مصدق با کوششی خستگی ناپذیر و علی‌رغم اخلال گریه‌های فراوان از طرف چپ و راست توانست به دنیا نشان دهد که ایرانی به برکت راهی ملی می‌تواند کامیست ملی داشته باشد و بدون وابستگی ادامه حیاتی افتخارآمیز دهد. با مرور بر حوادث سه ساله حکومت دکتر مصدق و بی‌آمدهای آن، یقیناً " برهمنی ایرانی مسلم می‌گردد که ما لیاقت دموکراسی و عدم وابستگی را داریم و برای بدست آوردن آن نیز خود می‌توانیم یکسره و تنها سرفراز و کامیاب باشیم. در این دوران که برای نجات ایران است تا اتحاد نیروهای ملی سرشوت ساز و جویاتی می‌باشد، و هموطنان مان در داخل ایران چشم امید به پوزیسیون دوخته‌اند، هستند که آیا به آسایش و دامن‌داری ریخته و با اهان و بهتان در دوردست‌ها تامل می‌باشند. آیا اینان در جهت بیگانگی نگان گام بر نمی‌دارند؟ در آن موقع که دکتر بهنجاری و رهبران برای نجات ایران یکپاره و متفقاً با هم کار را بر گردیدند اینان کجا بودند؟ آیا اینان بر راستی به راه‌های ایران می‌اندیشند؟

آلمان غربی - بابک سهیلی

انقلاب یا جنبش؟

در مقالات و نوشته‌های که در هفته‌های اخیر به مناسبت هشتادمین سالروز اعلام مشروطیت در قیام ایران چاپ کرده‌اید، متوجه شدم که نگاه این رویید ادیب‌زبان را " انقلاب مشروطیت " و نگاه " جنبش مشروطیت " و در برخی موارد خبزش وقیام و نهضت نامیده‌اید. از انقلاب تا جنبش و خبزش ملی تقاضای بسیار راست. در آثار تحقیقی دکتر فریدون آدمیت نیز این سرگردانی مشهود است. این محقق نام‌آور و دقیق با آنکه از ادبیات سیاسی مشروطیت و تاریخ‌های مشروطیت، " ایدئولوژی مشروطیت " را بی‌سپاری کشیده است، اما در سخن آخر، نمی‌داند این جنبش بزرگ را در جزو کدام یک از مقولات جنبش‌های اجتماعی جای دهد.

بهر صورت، برخی کسان رویداد عظیم تاریخی مشروطیت را " انقلاب " نامیده‌اند، زیرا پس از پیروزی حکومتگران اکثر " آلمان " و خانی و سلطنته‌ها و دولت‌هایی بوده‌اند که در حکومت خود کاملاً متجاوزان قدرت جای داشتند.

جنبش مشروطیت را اگر قیام می‌نامیم خود کاملاً بی‌دانشانه بدانیم، سهو و خطایی روی نمی‌دهد، اما همینکه بخواییم آن را با انقلاب‌های بزرگ تاریخ مقایسه کنیم، پای استدلال لنگ می‌زند. شاید بهتر است که این جنبش را در همان ابعاد دموکراسی آن مورد نظر قرار دهیم. چون می‌بینیم که مجلس شورای ملی با همه قدرت ملی و برخسورداری از پشتیبانی ملت، در عظیم‌ترین عمل سیاسی خود تنها به خلع محمد علی میرزا برخاست و پادشاهی را به پسرش احمدشاه تفویض کرد، این واقعه خود نیز گویای روحیه مجلس ملی است که از شاهزادگان و اعیان و اصناف تشکیل می‌شد و چنین جمعی با توجه به وابستگی‌های طبقاتی نمی‌توانستند انقلابی عمل کنند.

غرض از این یادآوری، همانا دریافت دقیق جنبش ملی مشروطیت است که بی‌گمان سرفصل تازه‌ای در روابط اجتماعی و شیوه اداره کشور شود. اما تا " انقلاب " آنچنان که علمای علم الاجتماع تعریف می‌کنند، فاصله‌ای بسیار داشته است.

با احترامات
پاریس - کورش میرزائی

بنام حق و آزادی

با درود و سپاس فراوان: از این فرصت استفاده می‌کنیم و سالروز مشروطیت ملت ایران، سالروز دفع استبداد دوسالروز پیروزی ملت ایران را به شما تبریک عرض می‌کنیم. همین طور سالروز قیام ملت ایران، روزی که نهضت مقاومت ملی ایران با پشتیبانی و خواست مردم پا گرفت و تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. به امید روزی که همه دست در دست هم برای ایرانی آباد - آزاد - مستقل در داخل ایران مبارزه ملی و آزادخواهانه خود را ادامه دهیم.

بیژن تندکاز - پرویز مینوئی - شهرام دولت‌متمند - علی رادپور - رضا کردایی

انفجار در قم:

آخوندهای حاکم دست‌انداخته‌اند

امروز شنبه ۱۶ اوت از طریق رسانه‌های همگانی خبرت افت با رانفجار ریسک اتوموبیل با محتویات مواد منفجره در قم به آگاهی رسید که به خاک و خون کشیدن عده‌ای از هموطنان ما را همراه داشت. البته طبق معمول، دروغ‌پردازان از خدا بی‌خبر که بیش از ۷ سال پیش از دغل با زبانی خود هستی ملت ایران را به نیستی تبدیل نموده‌اند، این بار هم با بی‌شرمی تمام این جنایت هولناک را به عوام مل‌امپریالیسم نسبت دادند.

اما غافل از آنکه مردم ایران به روشنی می‌دانند وقتی مشتی بی‌وطن به سرگردگی صادق خلخال‌لی برای اهداف ارتجاعی خود ۴۰۰ نفر را در سینما رکس آبادان کباب می‌کنند، حالاهم برای سرپوش‌گذاری بر هزاران اعمال غیر انسانی و بی‌کفایتی خودشان، قرار دادن یک ژان پرازموا منفجره زسوی آن‌ها در یک محل عمومی جهت شرف نمودن افکار عمومی، و با لایخ در روز عید قربان کار عادی می‌باشد.

حتی اگر مسئله را از دوزاویه کاملاً مختلف بررسی نمایم، دست‌خون‌آلود این رژیم نکبت‌بار را در این فاجعه به‌سادگی می‌توان مشاهده نمود.

۱ - با وجود فسادهای شبا نسبه روزی آخوندهای غاصب‌وداشتن وزرات‌انصبت و اطلاعات که به قول خودشان ۳۶ میلیون خبرچین دارند، بنا بر این امپریالیسم نمی‌توانند چنین نفوذی داشته‌باشند مگر آنکه رژیم بقدری ضعیف و قابل‌ضربت خوردن شده‌که امپریالیسم تا آستانه در ورودی جرم قم هم پیش‌تاخته‌اند!

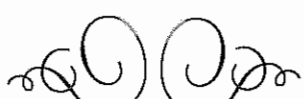
۲ - اما اگر بخاک مالیدن پیروزه امپریالیسم توسط این حکومت سیاه حقیقت داشته‌باشد، پس چه کسی غیر از خوددستگاه‌ها را اتوموبیلی را پیر از مواد منفجره در چنان محل پرتراکمی قرار می‌دهد؟

ارادتمند - علی‌داد - بروکسل

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸



۵ - نشانه‌های از نزدیک شدن دولت ایران به بلوک شرق

از یک سال پیش در تظاهراتی که برای پشتیبانی از دولت صورت می‌گرفت فعالیت‌ها در چرخش روزبه‌روز نمایان ترمی شد و این امر هم در داخل کشور هم در بعضی کشورهای خارجی به ویژه آمریکا ایجا دنگرانی کرده بود مخصوصاً " چون ضمناً " خبرگزاریهای خارجی اطلاع می‌دادند که دکتر مصدق بی در پی با سفیر شوروی ملاقات می‌کنند و انعقاد ترتیباتی برای افزایش معاملات با بلوک سوسیالیست بعنوان رکن سیاست اقتصاد بدون نفت و از جمله فروش مواد نفتی به روسیه مورد بحث و بررسی است. اینک دولت مجال بیشتری به فعالیت حزب توده می‌دهد و دولت هربه قصد نزدیک شدن به بلوک شرق می‌کند با عث شده که در بعضی محافل سیاست دکتر مصدق حمل بر قصد واقعی وجدی اویه تها هم سازش با بلوک مزیور شود. بدیهی است که انگلیسی‌ها بخصوص این تعبیر را تا کید می‌کردند و می‌کوشیدند تا از این راه سیاست دولت آمریکا را به سمت ضدیت با دکتر مصدق سوق دهند چنانکه کردند. اما تعبیر دیگر و شاید درست‌تر این است که دکتر مصدق قصد ایجاد منافات گسترده با شوروی نداشته بلکه تصور می‌کرد که تها هربه این قصد با عث خواهد شد که دولت آمریکا روش مسا عدتری نسبت به ایران از لحاظ طرفداری از ایران در مسئله نفت و منظور نمودن کمک‌های مالی و اقتصاد دی در حق ایران اتخاذ کند و بدین است که یک چنین تدبیر از نظر روانشناسی و سیاست بین المللی اشتباه بزرگی بود. نویسنده: آمریکا کی کتاب

فواد روحانی

۳۸ مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

سفر کبیر جدید شوروی در تهران

فراکسیون نهضت ملی که ۲۷ نفر بودند از عضویت مجلس استعفا کردند و علت استعفا را بی‌ناامیدی از خطابه رئیس مجلس به این شرح بیان نمودند که: " وضع کنونی مجلس شورای ملی مسا عد برای ادا مسه وظیفه نمایندگی نیست به تبعیت این اقدام ۲۵ نفر از سا یروکلان نیز استعفا کردند بطوری که عده و کلا ی مستعفی به ۵۲ نفر از ۷۴ نفر رسید. استعفا ی این عده در مجلس مطرح نگردید ولی افراد مستعفی در هر حال در جلسات حاضر نمی‌شدند. به این ترتیب از کلای حاضر در تهران ۲۲ نفر غیر مستعفی بودند که مخالفان و سخت‌دکتر مصدق یعنی دکتر بقا شسی و حائریزاده و مکی و قنات آبادی جزو آن‌ها بودند و این دسته قرار گذاشتند که هفته‌ای سه روز برای مشورت در مجلس دور هم جمع شوند. دکتر مصدق سعی می‌کرد این ۲۲ نفر نیز استعفا کنند تا مجلس مسود بخود منحل شود و اظهار می‌کرد که در آن صورت مراجعه به آراء عمومی لزوم نخواهد داشت. اما آنها حاضر به استعفا نشدند و اظهار می‌کردند که اگر دولت بهر عنوان انحلال مجلس را اعلام کند آن‌ها مجلس را در حال تعطیل تلقی خواهند کرد نه منحل. بنا بر این دولت شروع به تهیه مقدمات مراجعه به آراء عمومی نمود. روز ۵ مرداد دکتر مصدق نطق به وسیله راديو خطاب به ملت ایراد نمود و ضمن آن چنین گفت: " اکنون بیگانگان با تمام قوا می‌کوشند که در مصفوف متحد ملت ایران رخنه کنند متاعه در مجلس شورای ملی هم ... کانونی برای بیشتر مقاصد شوم آن‌ها تشکیل شده است. در این مجلس گروهی از مخالفین و ایادی سیاست بیگانه یا بعضی از منحرف شدگان می‌کوشند که ما را موردا بدست دولتی بدهند که بتوانند ما را مع بیگانگان و منافع انسان را تاء مین کنند ... مجلس در خلال ماه‌های اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی اخلاص گری‌ها درآمده است این نکته راجعی از وکلای تشخیص داده و بنا بر این استعفا دادند ... با وضع کنونی مجلس امید هیچگونه موفقیتی در مباحثه ملت ایران نیست و دولت تا جا راست از شما مردم وطن پرست تقاضا کند عقیده خود را ببقا یا انحلال آن صریحاً اظهار کنید ... قانون ها ، مجلس ها ، دولت ها همه بخاطر مردم به وجود آمده اند نه مردم بخاطر آن ها . وقتی مردم یکی از آن‌ها را نخواهند می‌توانند در آن با ب نظر خود را ابراز کنند. در کشور های دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی با لاترازا راده ملت نیست ... علیهذا دولت از خود مردم سؤال خواهد کرد که آیا با بقای مجلس به صورت فعلی تا آخر دوره " کار موافق هستند که در این صورت دولت دیگری روی کار می‌آید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافقت را ی به انحلال آن بدهند تا مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند در تاء مین اعمال ملت با دولت همکاری کند. جزئیات راجع به طرز رفتارند بزودی به اطلاع خواهد رسید. " با این نطق در حقیقت فاتحه مجلس خوانده شد و این کیفیت از طرف حائریزاده رهبر فراکسیون آزادی در مجلس طی تلگرافی به تاریخ ۱۸ مرداد تا دبیر کل سازمان ملل اعلام گردید به این مضمون :

" چون سازمان بمنزله پارلمان دنیای آزاد است فراکسیون آزادی مجلس ایران لازم می‌داند اوضاع تحمل نا پذیری را که بر ملت ایران می‌گذرد به اطلاع شما برساند ... دکتر مصدق در سایه قدرت حکومت پلیسی و با کمک حزب کمونیست توده به مفتضح ترین وضعی رفتارند کرد و اکنون می‌خواهد یک رژیم سخت دیکتاتوری کمونیستی به مردم ایران تحمیل کند. ما اعلام می‌کنیم که حکومت و ایای است و اقدامات او برای ملت ایران الزام آور نیست. "

۷ - مراجعه به آراء عمومی (رفتارند)

در تشخیص و ارزیابی عوامل و علل سقوط حکومت جبهه ملی سهم بزرگی به آخرین برده درام یعنی مسئله رفتارند تعلق می‌گیرد. اصولاً موضوع مراجعه به آراء عمومی در مسائل مربوط به قانون اساسی در متن قانون پیش بینی نشده بود و در مورد انحلال مجلس اصل ۴۸ قانون اساسی (مصوب ۱۸ اردی بهشت ۱۳۲۸) حق انحلال هر یک از مجلس شورا و مجلس سنا یا هر دو در آن واحد را فقط به شاه می‌داد و دولت می‌توانست در

صورت وجود دلایل موجه برای انحلال مجلس (مثلاً " استعفا ی تعداد زیادی از وکلای انحلال مجلس را از شاه درخواست کند. یک روز قبل از اقدام دولت به رفتارند در تهران کاشانی اعلامیه‌ای دایر بر تحریم آن به علت میابنت با قانون اساسی منتشر نمود. وکلای مخالف دولت نیز به این قصد دولت قویاً اعتراض کردند. بنا بر این حال اقدام دولت به مراجعه به آراء عمومی در تهران روز ۱۲ مرداد و در شهرستان‌ها روز ۱۹ مرداد عملی گردید. و نتیجه آن به این صورت اعلام شد که در تهران ۱۵۵/۵۴۴ رای موافق و ۱۱۵ رای مخالف با انحلال مجلس و در شهرستان‌ها ۵۳۰/۵۰۰ رای موافق و ۱۷۵ رای مخالف با انحلال داده شده است. موضوعی که در جریان رفتارند هم در ایران هم در خارج جلب توجه کرد شرکت چشمگیر اعضا و هواداران حزب توده در پیشبرد آن بود. مخصوصاً " چون حزب توده قبل از انعقاد رفتارند از دولت مصر " خواسته بود که علاوه بر انحلال مجلس اقدام به تشکیل مجلس مؤسسان نیز برای تغییر قانون اساسی بعمل آورد. سفارت انگلیس در گزارش شماره ۹۹ مورخ ۱۲ اوت (۲۲ مرداد ۱۳۲۲) (۲) خود به لندن به این موضوع اشاره کرد و گفت :

" ظاهراً " قصد حزب توده محدود کردن یا منتهی کردن اختیار را می‌توانست که بموجب قانون اساسی به شاه داده شده و همچنین هرگونه تغییرات دیگر که مورد نظر حزب باشد ... تا کنون دولت وعده انجام متقافا هسای حزب توده را نداده اما با وجود این یکی از نزدیک ترین مشاوران نخست وزیر (دکتر شایگان) تا این حد نظر حزب را رعایت کرده که گفته است دعوت مجلس مؤسسان لزوم ندارد زیرا آنچه منظور نظرات است اینست که به محض تشکیل مجلس جدید گزارش هیئت هشت نفری دایر بر محدود کردن اختیارات شاه در مجلس طرح شود. " در تاریخ ۲۳ مرداد دکتر مصدق نطقی در خصوص نتیجه رفتارند به وسیله راديو ایراد کرد و گفت ملت ایران به انحلال مجلس هفدهم رای داد و دولت را تایید کرد و اظهارات بعضی سیاستمداران خارجی به این مضمون که این امر به وسیله عواملی غیر از قاطبه ملت ایران انجام گرفته صرفاً " برای اینست که حقیقت را مکتوم کنند و مالک بی طرف دیگر متوجه نشوند که ملت ایران با یک صدا و یک دل و یک جهت نفوذ خارجی را محکوم کرده است. " در این هنگام با وجود آنچه طرفداران دولت اظهار می‌کردند وضع دولت در نتیجه جریاناتی که در بالا شرح داده شد و منجر به مخالفت علنی دولت آمریکا گردید صورتی بخود گرفته بود که دیگر قاطبه ملت ایران وهران انتظار می‌رفت واقعه‌ای صورت گیرد که به بحران و بیلت کلیفی پایان دهد.

- ۱ - از آرشیو محرمانه انگلیس FU37/104573-74212
- ۲ - از اسناد آرشیو محرمانه انگلیس
- ۳ - از آرشیو محرمانه انگلیس

شورای امنیت، نگران تشدید

جنگ ایران و عراق

شورای امنیت سازمان ملل متحد، روز گذشته (۲۹ اوت) نگرانی خود را از خطرات ناشی از تشدید و توسعه جنگ جمهوری اسلامی با عراق در منطقه ، اعلام کرد و کوشش‌های صلح آمیز پرزیدوکوئلار دبیرکل سازمان ملل متحد را مورد تایید مجدد قرار داد. در پایان جلساتی در پشت درهای بسته با شرکت ۱۵ عضو شورای امنیت ، این شورا در نامیهی خطاب به پرزیدوکوئلار ، نگرانی عمیق خود را از گسترش جنگی کسه ماه آینده وارد هفتمین سال خود می‌شود ، ابراز داشت . در عین حال اعضاء شورای امنیت ، پشتیبانی خود را از کوشش‌های صلح جویانه‌ی پرزیدوکوئلار ابراز داشته‌اند و بخصوص پیشنهادها ی پرزیدوکوئلار در باره ی منسجم استعمال سلاح‌های شیمیایی ، وعدم بمباران مناطقی غیر نظامی را مورد تقدیر قرار داده‌اند . لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی ، شورای امنیت سازمان ملل متحد را تحریم کرده است .

خبرگزاریها - ۳۰ اوت ۸۶

هم‌میهنان عزیز !
هر روز تلخ‌ترین صحنه نجات و نجات ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۲ در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.
ساره تلخ:
۸۵-۸۵-۴۶-۴۳ پارس

نگاهی عبرت آموز به تاریخ:

ویرانی شهری

سرگذشت غم انگیز ویرانی شهری عبرت آموز است. دومین شهر بزرگ ایران (از هشت قرن پیش از میلاد) اگرچه در تاخت و تاز تازیان، جاناتانها استاد و لاجرم هجوم های اعراب را در سال های ۱۸ تا ۲۴ هجری قمری به دفعه استاد و بر تافت، اما با زبرجای ایستاد و از پس هر حمله برخاست چنانکه پس از تسلط کامل تازیان به مدت ۲۶۰ سال، همچنان بزرگ شهری آبادان و شروتمند و نام آوری بود.

شهری در ایران پیش از هجوم اسلام، از نظر عظمت و اهمیت بلافاصله پس از همگانه (همدان) قرار داشت و افزون بر این، روایاتی وجود داشت که شهری را زادگاه مادر زرتشت و یا زادگاه خود زرتشت توصیف می کرد. نام این شهر، با ضبط پهلوی آن "رگه" در سنگنبشته داریوش شاه در بهستان آمده است که گویا مرکز دینی و پادشاهی پیشوای بزرگ زرتشتی بود و شهر نظر کرده و مقدس نیز لقب داشت.

شادروان پورداود در مقاله ای زیر عنوان "ری" که در مجموعه مقالات "آناهیتا" طبع و نشر شده است، ویرانی کامل شهری را ناشی از جنگ های فرقه های گوناگون دین اسلام می داند. حنفی و شافعی و شیعه، پس از تسلط کامل اسلام بر شهر آباد و شروتمند ری که در مسیر جاده ابریشم قرار داشت، به مدت چند سال به جان یکدیگر افتادند و به جنگ تعصب آلود و کوردلانسه پرداختند که حاصل آن، عدم امنیت و تعطیل و انحراف جاده ابریشم از شهری و در نتیجه، توقف بازرگانی و مهاجرت انبوه مردمان از این شهر بوده است.

پورداود در این مقاله نشان می دهد که حملات چنگیز و تیموریس از این جنگ فرق دینی اسلام روی داد که شهری دیگر آن شهر بزرگ و شروتمند نبود. بخش هایی از مقاله وی، نوشته پورداود را در زیر می آوریم تا خوانندگان گرامی دریابند که قشریون مذهبی از دیرباز سیاب ویرانی و شوریختی ایران بوده اند و شهری مثال تاریخی صادق است بر این مدعا.

ویرانه های که در هشت کیلومتری جنوب شرقی تهران به نزدیکی شاه عبدالعظیم و ابن بابویه افتاده، در پارینه یکی از شهرهای بزرگ و نامور ایران میباشند.

مرزوبوم ماد بزرگ از دوشهر بزرگ و بخوردار بود؛ نخست همدان که همگنان خوانده می شد، این شهر در جنوب خاک ماد، از پایان سده هفتم پیش از میلاد مسیح، نخستین پایتخت دولت ایران بود و در روزگار پادشاهان هخامنشی یکی از چهار پایگاه آن شاهنشاهی بزرگ بشمار می رفت.

دومین شهر بزرگ ماد، ری است که موضوع گفتار ماست.

درین گفتار، سخن از ری پس از تاخت و تاز تازیان است. شهر زوزنگ را در پیش از اسلام آن شهر، از روزگار آن پیشین که ازین شهر نام و نشانی بجای مانده تا پایان پادشاهی ساسانیان، نزدیک به هزار و پانصد سال سرآمده و از سال که ری به چنگال خویشین عرب ها افتاد تا سالی که آن را ساسانیان تیمورلنگ یکسر ویران کردند، یک دوره پر آشوب و پرگزنده هفتصد و شصت ساله بر آن گذشت. در همین روزگار آن پسین است که ری گاهی روزهای خوشتری بخود دیده و توانست نام بلند آوازه ای مانند پارینه در کارنامه جهان از خود بجای گذارد و گروهی از ناموران و دانشمندان را در آغوش خویش بپروراند. با دیده یادداشت، درین دوره پس از اسلام، فرمانروایان و شهریاریان گوناگون، از خاندان های عرب و ایرانی و مغول و ترک (غز) و تاتار، هر یک به نوبه خود بر ری دست یافتند. ناگزیر از این آمد و شده خون ها در آن سرزمین ریخته شد، بسا خان و مان ها و بیسوران گردید و هستی و ناموس مردم آنجا به غارت رفت. شاید در ایران زمین بزرگه کمتر جایی بیابیم که این همه بیداد بیباد داشته باشد.

همچنین با دیده یادداشت کسری در زدوخورد های فرمانروایان که از هر سو بدانجا تاختند، چندین بار بر افتاد و دیگر باره برخاست و هر بار رکه آسایشی بخود دید، مردمش در گریا و به آسایشی و ویرانی ها کوشیدند و به شهر خود زانو جانی دادند و تسلیم قضا و قدر نشده، مردانه زندگی از سر گرفتند و زودوران کسارو کوش خود نام نیکی بجای گذاشتند، این است که در نوشته های قرون وسطی می خوانیم که جزا فیما نویسان هر یک به نوبه خود، ری را شیخ البیلاد و ام البیلاد و عروس البیلاد خوانده اند، از آن جمله مقدسی در احسن التقاسیم آن شهر را یکی از مفاخر اسلام خوانده و چندین بار را زکتا بخانه آنجا یاد کرده

نوشته: شادروان پورداود

خلافت عمر، سرکردگی لشکر دشمنان با حذیفه یمانی بود که پس از کشته شدن نعمان بن مقرن در نهاوند، حذیفه به این منصب رسید و همدان و ری و دینور را بگشود. درین هنگام فرما نکرار و شهریار ری سیا و خش بود. سیا و خش پسر مهرا ن پسر بهرام چوبین از سوی یسزد گرد سوم سرداری لشکریان ایران زادر زادگاه خود داشت. فرخان که یکی از بزرگان و دهگانان بود با سیا و خش دشمنی داشت. همینکه سیا به عرب به نزدیکی ری رسید، این نابکار کینه توز خود را به نعیم فرمانده عرب رسانید و از او برای شکست دادن سیا و خش و گرفتن ری راه و چاه را به دشمن بنمود و خود با ده هزار عرب از کوه طبرک، از راه دروازه خراسان به شهر در آمد.

این چنین ری به خیانت بدست دشمن سپرده شد و ویران گردید. درین کشور گشایی ننگین هزاران تن از سردم ری به خاک و خون خفتند.

ذخیره هنگفتی از خاوسته که نوشته اند کمتر از اندوخته تسفون نبود، در شهر باستانی ری به غارت تازیان رفت. حذیفه یمانی کسی که دست به خون هزاران مردم مالوده است و به ویژه در سرزمین های گروه انبوهی را کشت، در سال ۲۶ هجری مردودرکنار کاخ تسفون همان کاخ پادشاهی سا سانیان که در شاه نهم هجرت بدست سعدوقا ص افتاده به تاراج رفت، بخاک سپرده شد و امروزه گور او نزدیک گور سلمان فارسی است.

در روزگار خلفای بنی عباس، گذشته از جنگ های خاندان مسلمان در ایالت ری با نخستین خلفای بنی عباس، ری چندی آرام بود و از آسایش و آسایش بهره ای یافت. ها رون الرشید در ری زاییده شده بود و در هنگام خلافت خویش (۱۷۰-۱۹۳) بسا در زادگاه خود زینت و پیشتر از او محمد مهدی در زمان خلافت پدرش منصور (۱۳۶ - ۱۵۸) که فرزند تروای ری بود، آنجا را آباد کرد.

آنچنانکه یعقوبی در کتاب البیلادان می نویسد:

ری را مهدی در زمان منصور، محمدیه نامید.

این نام از برای این شهر به جای نمانده چنانکه نام های اروپوس و ارتاکیه که پیش از میلاد مسیح به ری داده شده بود پایدار نماند.

در هنگام پیش از دیوست و شصت سال، ری سرزمین تاخت و تاز تازیان و کشتارگاه و غارتگاه آنان بوده یا جایگاه آسایش و خوشگذرانی بیگانگان سامی نژاد، تا اینکه نخستین بار در سال ۲۸۹ هجری آن شهر به دست ایرانیان افتاد.

چنانکه گردیزی در زین الاخبار آورده: اسمعیل بن احمد سامانی در ۱۸۸ رجب سال ۲۸۹ ری را گرفت و خلیفه عباسی آن زمان، مکتفی بناچار حکومت اسمعیل را در آن سامان، شناخت و از برای او عهد و لواء فرستاد.

همچنین ری نوبه بنوبه به دست خاندان های دیگری برانی چون دیلمیان و آل زیار و آل بویه افتاد. این دوره ۱۳۰ ساله فرمانروایان و شهریاریان ایرانی نیز با کشورگشایی محمود سبکتکین ترک سرآمد و مجدداً دوله آخربین شهریار خاندان آل بویه بدست سلطان محمود گرفتار گردیده به غزنین فرستاده شد. درین باره در زین الاخبار آمده: امیر یمین الدوله بهری آمد و شهر را بگرفت بی هیچ رنج و تکلف و خزینه های بویان که از سال های بسیار رهنه داده بودند، همه برداشت. مالی یافت که آن را عدد و منتها پدید نیبودی و چنین خیر آوردند امیر محمود را رحمة الله که اندر شهری و نواحی آن مردمان باطنی مذهب و قرامطه بسیار اند، بفرمود تا کسانی که بدان مذهب متهم بودند را فرزند و سنگریز کردند و بسیار کس را از اهل آن مذهب بگشت و بعضی را بیست و سوی خراسان بفرستاد، تا

مردند اندر قلعه ها و حبس های او بودند و چندگاه به ری قرار گرفتند همه شغل های آن پادشاهی را نظام داد و کسار داران نصب کرد و آن ولایت ری و اصفهان به امیر مسعود رحمة الله سپرد و خود سوی غزنین با زکشت و فتح ری اندر جمادی الاولی سنه عشرين و اربعمائه بود.

از این گونه آسیب ها که از دست آدمی به ری رسیده فزون می توان یاد کرد،

سهمناک تر از این گزندها، تعصب اهریمنی است که عرب ها با خود به آن دیا را آوردند. کشتار و ویرانی دیو تعصب در آن سرزمین بیش از هر کس و هر لشکری آن شهر که سال را از پای برد آورد. مقدسی که در سده چهارم هجری میزیست در احسن التقاسیم از تعصب دینی که شهری در چار آن بوده، یاد می کند.

این تاثیر در پیش آمده های سال ۵۸۲ گوید:

درین سال فتنه بزرگی در ری برخاست، سنی و شیعه بهم در آویختند و یکگشتن همدیگر بر پا کردند، گروهی از آنسان نبود و گروهی دیگر خان و مان را رهسار کرده پراکنده و پریشان شدند، آنچنانکه ری و شهرهای دیگر این سرزمین ویران گردید.

درین زمینه خبری توت حموی نویسنده معجم البیلادان پیش از هرسندی نمودار تنها دیو تعصب است.

چنانکه خود در معجم البیلادان گوید:

در سال ۶۱۷ هجری که از تار رها گریزان بودم، به شهری رسیدم و در آنجا ویرانی های بسیار دیدم و خانه های فرو ریخته و دیوارهای شکسته و افتاده از هر سوی دیده می شد. منبرها در مسجدها هنوز برپا بود. درین فترت ریختگی ها هنوز نقش و نگار رهساری دیوارها هویدا بود، چنین می نمود که این ویرانی ها اندکی پیش از رسیدن من به آنجا روی داده باشد.

در آنجا از مرد آگای سبب این ویرانی پرسیدم، او در پاسخ گفت: مردم این شهر سه گروه اند شافعی که از همه کمترند، حنفی که بیشترینند و شیعه که بیشترینند زهمه ایان هستند، چه نیمی از مردم شهر رستاقه ای ری به مذهب تشیع می باشند. چندی پیش جنگ تعصب میان سنی و شیعه در گرفت، درین نبرد حنفیان و شافعیان به شیعیان چیره شدند، آنگاه آتش جنگ میان شافعیان و حنفیان زبانه کشید و بکشتن همدیگر گرم شدند، پس از زود خوردها و کشتارهای فراوان شافعیان از کار و پیروزیدند و مانده با اینکه جمعیت آنان کمتر از گروه هماورد بود.

آری حنفی ها از روستا قها به بیاباری همگی شان خود شتافتند، اما کساری نسا ختند و بر شوش شکست دیدگان دچار آمده نا بودند. این همه ویرانی ها که اینک در شهر می بینی، همه در برزن های شیعه و حنفی است و آنچه آید از پدیداری به جای مانده در برزن شافعی است که کوچکترین بخش شهر است. کسانی که از شیعیان و حنفیان جان بدر برده زنده ماندند، اکنون از بیم و هراس، دین خود را پنهان می دارند. (...)

بقیه از مقاله پناهندگان ایرانی در ترکیه

به این گروه پناهندگان با یکدیگر دیگری را افزود که از خاک ترکیه برای عبور و رفتن به کشورهای غربی استفاده می کنند. تعداد این ها به موجب برآورد مقامات مسئول ترک از ماهه ۱۹۸۵ به ۳۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است و پلیس دیگری در بسه کنترل آن ها نیست.

مقامات امنیتی در استانبول مسائل گذشته با دو ترور سوکار پیداکردند که یک سرگرد و یک سرهنگ سابق ارتش ایران به وسیله ما موران امنیتی رژیم تهران به قتل رسیدند.

به موجب اظهار آقای محمد علی عدالتی سخنگوی آذربایجان های ایرانی بنانه در ترکیه، اسلحه مورد استفاده در قتل سرگرد بهروز شافوری در ماه اوت و سرهنگ عزیز مرادی در ماه دسامبر گذشته از طرف ما مورین قنصلگری جمهوری اسلامی در اختیار رقالتین گذاشته شده است.

این دو افسر مقتول هر دو از طرفداران شایسته یوربختیا بودند و به نظر پلیس ترکیه به کار زمان دادن مقامات در دادگاه خاک ایران می برداختند.

خبرگزاری فرانسه - ۳۰ اوت

خبرها

مسئله پناهندگان ایرانی:

چاره جویی

مسائل مربوط به پناهندگان ایرانی، طی یک کنفرانس سه روزه در ژنو، میان کشورهای که مستقیماً با این مسائل برخورد دارند زیر نظر کمیسیون عالی پناهندگان در سازمان ملل متحد، پشت درهای بسته، مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

پناهنده کشور، استرالیا، اتریش، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان غربی، هلند، نروژ، سوئد، سوئیس و انگلستان، با شرکت در این کنفرانس، مسائلی مربوط به پناهندگان ایرانی را مورد بررسی قرار دادند.

بر اساس این گزارش، از سال ۱۹۸۰ بیش از یکصد هزار پناهنده ایرانی، که اکثر آنها جزو اقلیت‌های مذهبی بوده‌اند، ایران را از طریق ترکیه و پاکستان ترک کرده‌اند، که ۵۰ هزار تن از این عده در اروپا پناهنده شده‌اند. موضوع مورد بحث این کنفرانس، یافتن سیاست واحد مشترک بین کشورهای روبروی مسئله افزایش تعداد پناهندگان ایرانی است.

به گفته‌ی منابع آگاه هیچگونه راه حل فوری برای این مسئله حتی اگر این کشورها به اتخاذ سیاست مشترک و هماهنگی موفق شوند، وجود ندارد.

خبرگزاری ها - ۳۰ اوت ۸۶

جهاد اسلامی:

خطر مرگ گروگانها را تهدید می‌کند

به گزارش خبرگزاری فرانسه، سازمان تروریستی جهاد اسلامی وابسته به رژیم خمینی که حداقل سه گروگان آمریکایی و سه گروگان فرانسوی در لبنان را در اختیار دارد، نسبت به هرگونه اقدام نظامی به قصد آزادسازی گروگان‌ها، هشدار داد.

جهاد اسلامی طی اعلامیه‌ای که همراه با تصویر یک گروگان آمریکایی، در تاریخ ۲۸ اوت برای یک خبرگزاری غربی در بیروت فرستاد، اعلام کرد که سرنوشت دیوید جاکوبسون مدیر بیمارستان آمریکایی بیروت و بقیه گروگان‌ها در صورت اقدام نظامی احتمالی آمریکا بدتر از سرنوشت تفتنگاران آمریکایی خواهد بود.

لازم به یادآوری است که در پانزدهم آگوست ۱۹۸۳، ۲۴۱ آمریکایی در یک حمله انتحاری با اتومبیل حاوی مواد منفجره علیه مقر تفتنگاران آمریکایی در بیروت به قتل رسیدند.

اعلامیه جهاد اسلامی می‌افزاید: تمام حمله‌ها و توطئه‌های شیطان بزرگ با همکاری و واسطه‌های بین‌المللی‌اش برای تغییر سرنوشت گروگان‌ها می‌کند ما در اختیار داریم، مثل گذشته با شکست روبرو خواهد شد.

جهاد اسلامی خود را بی‌رحم، و مجازات را شدید خوانده و خطابه به بیستگانه گروگان‌ها گفته است که از این پس فاش شدن زندگی گروگان‌ها نخواهد بود.

این سومین اعلامیه‌ای است که طرف یک ماه اخیر دربار سرنوشت گروگان‌های آزادی‌یافته از زمان تروریستی جهاد اسلامی در بیروت انتشار یافته است. بیش از این جهاد اسلامی اعلام کرده بود که ویلیام باکلی دیپلمات آمریکایی و میشل سورا جاسوس فرانسوی را از اعدام کرده است. اما جنازه‌های این دونفر کشف نشد.

از سوی دیگر سخنگوی کاخ سفید واشنگتن پس از انتشار اعلامیه سازمان تروریستی جهاد اسلامی، اعلام کرد که آدم‌ربایان را مسئول کامل سرنوشت گروگان‌ها در لبنان می‌داند. وی گفت ما این آدم‌ربایان را مسئول جان گروگان‌ها می‌دانیم و از آن‌ها می‌خواهیم که گروگان‌های آمریکایی و همچنین بقیه گروگان‌ها را به فوریت آزاد کنند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۹ اوت ۸۶

زنان در جمهوری اسلامی

زنده بگوران

بقیه از صفحه ۱

دردوران قبل از انقلاب که راه مسافرت به خارج هموار بود انواع و اقسام تسهیلات برای محصلین مقیم خارج فراهم می‌شد و از آزاده‌های ایرانی عموماً "راغب نبودند دخترها را تک و تنها روانه خارج کنند. ببینید چه بر سر مردم آورده‌اند که فرش زیرپایشان را می‌فروشند و وسایل فراهم می‌کنند که دخترها ایشان فقط بتوانند خود را به آن طرف مرز برسانند و به دختر می‌گویند بقیه‌اش با خودت و با خدا. میداند که کشورهای خارجی دروازه‌ها را به روی جوانان آواره ایرانی بسته‌اند و به آن‌ها اجازه ورود و اقامت نمی‌دهند. میداند ارزش دولتی در کار نیست. می‌دانند با دلار هفتاد و هشتاد تومان و انواع مخاطراتی که در راه ارسال ارز قاق وجود دارد قادر نخواهند بود کمک خرجی برای جگرگوشه خودشان بفرستند. می‌دانند زندگی بدون پول و بدون جا و بدون هدف و بدون پشت و پنا در دیار غربت، آن هم برای دختر جوان یعنی چه. ولی به رغم همه این حرف‌ها باز ترجیح می‌دهند دخترانشان را به دست چنین سرنوشتی بسپارند و از سرنوشتی که در جمهوری اسلامی به انتظار آنهاست نجاتشان ندهند.

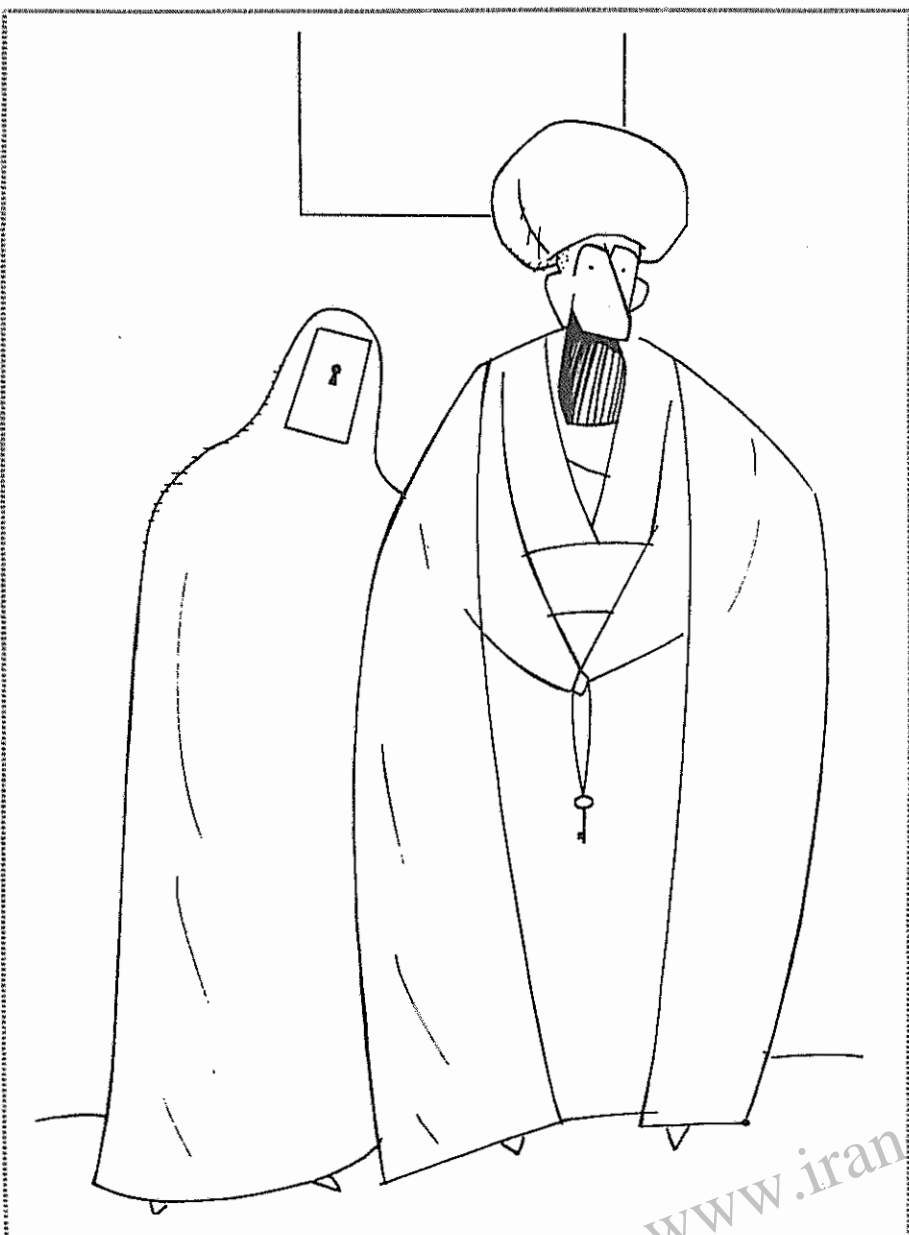
این همه سخت‌گیری و خشونت و زوال نسبت به زن‌ها دلیلش چیست؟ ظاهراً "دلیلش اینست که در فرهنگ آخوندی زن افزارکار شیطان است و شیطان به وسیله زن، مردها را اغوا و به گناه آلوده می‌کند. پس برای آنکه دست و پای شیطان بسته شود و منین اوزما و سنان خناس‌نسان در امان بمانند باید زن را با اصولاً از معرض دید مردها دور نگه داشت و پناه او را به هیولایی مبدل کرد که مرد بدیدنش وحشت کند و لاجرم بگریزد.

بیچاره شیطان که بشردیواری از دیوار او کوتاه‌تر نباشد است و عدالت‌مطلبان و خط‌های خود را به گردن وی می‌کنند. یکی می‌خواست با شتر نزدیکی کند. قندش نمی‌رسید. این طرف و آن طرف جست و جو کرد تا چیزی بیاید و زبیر پایی خود بگذارد. جز ترا زویی نیافت. دوپای خود را بر دو کفه‌ترا زو گذاشت و از آن بالا رفت. در اثنای مجامعت کفه‌های ترا زوپا شین و بالا می‌رفت و کاه را مشکل می‌کرد. مردک به خشم آمد و گفت بر شیطان لعنت. در حال شیطان بر او نظر کرد و گفت ای لعنت‌پس خودت و پیدرت و آن کسانی که مجامعت با شتر را بنویسند مسائل شرعی در کتابهایشان مطرح می‌کنند. من کجا به عقلم می‌رسید که برای زن زدگی با شتر میتوان از ترا زو بالا رفت؟

تصویری که بشر از شیطان در دست دارد اتفاقاً تصویر مرد است نه زن. اقوام مختلف، از قدیم‌ترین روزگار تا به امروز هر نقشی از شیطان ساخته‌اند و در هیأت مردانه نشان می‌دهد و هیچ تصویری بیکرایی از شیطان در هیأت زن سراغ نداریم. حالا این بحث هم به کنار. از نظر ما خوی شیطان هم در مرد وجود دارد و در زن و هنر او را دور هری جا معاً است که این خوی شیطانسی را، چه در زن و چه در مرد می‌کنیم نه این‌گونه زن و مرد را مانع از ازدودام از دسترس یکدیگر دور نگه داریم.

احضار دانشجویان

جمهوری اسلامی از دانشجویان ایرانی بوسریه دولت که در بروکسل تحصیل می‌کنند خواست که هر چه زودتر به ایران بازگردند. خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: این تصمیم از وزارت روابط جمهوری



و نهی از منکر گروهی دیوانه مسلح را ماه مور کرده. در کوچه و خیابان بگردند و مواظب باشند می‌آدا زنی چند تا رموش از زیر چادر بیرون افتاده یا ناخن‌های پایش را لاک زده‌ها شد. خانمی نقل می‌کرد که در خیابانی می‌رفتم. متوجه شدم که از پیاده‌رو مقابل یک ریشوی مسلح به من خیره شده است. هر سال در خودم تکبیر می‌کنم در لباس پوشیدن مرتکب بی احتیاطی شده‌ام. چیزی بنظر نرسید. درین ضمن ریشوی نگره از آن طرف خیابان خودش را به این طرف رسانید و به من دستور توقف داد. ایستادم. بالحن تند پرسید این چه طرز لباس پوشیدن است؟ گفتم چه عیبی دارد؟ گفت پست و بلند بدنت از زیر چادر پدید است و باعث تحریک می‌شود. خونم به جوش آمد و فریاد زدم مردک! هرزه، تکی احتیاج به معالجه داری. چون مردی که از آن طرف خیابان پست و بلند بسدن زن‌ها را در زیر چادر دیدی زنده و تحریک می‌شود یک بیچاره جنسی است! ازین وقایع در هفت سال اخیر آنقدر رخ داده است که درباره آن‌ها باید کتاب‌ها نوشت. تازه حالا آقای رفسنجانی متوجه شده است که ما مورین امریه معروف زیاد روی می‌کنند. به زندگی را برزن‌ها جهنم کرده‌اند. به قول معروف ببین چه قدر شراست که خان هم فهمید!

خوی شیطان تا وقتی از طریق معرفت و تربیت در آدم‌ها ریشه‌ها نشود، همواره امکان گناه وجود خواهد داشت ولو آنکه مردوزن را زره بیوشا نندوبیا تقس‌های آهنگین از هم جدا کنند. آیت‌الله محمدی گلپایگانی از فقهای برجسته جمهوری اسلامی، روزی ضمن مباحثات تلویزیونی خود گفت: در کوچه میرفتم. خانمی هم چند قدم جلوتر از من راه می‌رفت. این خانم حجاب کامل اسلامی داشت. از سر تا پا پوشیده بود و هیچ نوع ایرادی بر او نمی‌گرفت. با این حال خانم طوری راه می‌رفت که از مشا هدهاش غسل برین واجب شد. شیطان را کجا می‌جوئید؟ شیطان جلوی چشم شماست... زیر عبا و عمامه، ببینید خوی پلید شیطان تا کجا پیش رفته است که حضرت آیت‌الله، بنا به اقرار خودش روز روشن، در کوچه، از پشت سر، وقتی زنی را می‌بیند بدون آنکه حتی بداند این زن پیراست یا جوان و زشت است یا زیبا فقط به مشا هده طرز رفتار رفتن زن اختیار از دست می‌رود و غسل بر او واجب می‌شود. روح شیطان را در وجود حضرت آیت‌الله سال‌ها تلذذ حدیث و قرآن نتوانسته است مهار کنند. چنین موجودی بسرای ارتکاب گناه احتیاج به دیدن روی زن یا شنیدن صدای زن ندارد. اگر زن نیبند با خیال زن گناه می‌کند. با همجنس مرتکب گناه می‌شود. با شتر و گوسفند درمی‌آمیزد. آن وقت چنین عمری هفت سال است به نام اسلام و به پناه امریه معروف

اسلامی و بلژیک حکایت می‌کنند که در بی‌خارج یک دیپلمات جمهوری اسلامی از بروکسل دربار گذشته به وجود آمد. جمهوری اسلامی نیز بی‌درنگ به اقدام مشا بهی دست زد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، سفارت جمهوری اسلامی در بروکسل در بیانیسی اعلام کرده است که دستوراً خراج اخیر دودا نشجوی ایرانی از سوی وزارت

دا دگستری بلژیک و انتشار خبرهای دروغ درباره آن‌ها، آرا مشروحی دانشجویان ایرانی را بهم زده است. به این دلیل از همه دانشجویان ایرانی تقاضا می‌شود که هر چه زودتر به ایران مراجعت کنند.

خبرگزاری فرانسه - ۳۱ اوت ۸۶

نشانی: QYAM IRAN C/O C. B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد